

به مناسبت «روز خبرنگار»، فعالان و حفاظت‌گران محیط‌زیست از نقش روزنامه‌نگاری در حفاظت می‌گویند

راویان حفاظت

پوریا سپهوند: آینده سرزمین تنها در آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، میدان‌های حفاظت یا عرصه‌های مدیریتی ساخته نمی‌شود؛ در تحریریه‌ها نیز نوشته می‌شود

۳

«پیام ما» از باتکلیفی بازپرداخت پروژه‌های ماده ۱۲ و بدهی ده‌همتی دولت گزارش می‌دهد

سرمایه‌های تجدیدپذیر در بن بست دولت

دبیر «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر» می‌گوید با گذشت یک سال، هنوز مطالبات کسانی که پروژه‌ها را انجام داده‌اند بازپرداخت نشده و میزان این بدهی به ده همت رسیده است



عکس: علیرضا نیایی

چاه‌های آب آلوده به شیرابه زباله در تالش

عضو شورای روستای کریم‌محله: اهالی ناچارند آب چاه‌هایی که به شیرابه زباله‌های عفونی آغشته است را جوشانده و برای شرب استفاده کنند

۵

از هر طرف شلیک می‌شود

روزنامه‌نگاران میان فشار نهادها بی‌اعتمادی جامعه، تبعیض رسانه‌ای و ظهور خبرنگارنماها، تنها تر از همیشه ایستاده‌اند

۸

سرانجام روزنامه‌نگاری محیط‌زیست



فاطمه باباخانی

روزنامه‌نگار

۸

مدیریت پسماند «تالش» در محاق فراموشی



یاسر اسلام خواه

افعال محیط‌زیست تالش

۵

هر رسانه، یک دریچه تازه

من هر روز گزارش‌ها و مطالب این روزنامه را مطالعه می‌کنم. این موضوع باعث شده بتوانم درک جامعی از محتوای آن داشته باشم. اغلب از مطالب آن راضی بودم؛ البته در مواردی هم به برخی گزارش‌ها نقد داشتم که آن را با نوسنده مطلب در میان گذاشتم. ام، امیدوارم که رسانه‌های محیط‌زیستی بیشتری در فضای مطبوعات ایران منتشر شوند و بتوانیم شاهد پرداختن به موضوعات به‌شکل جدی و عمیق باشیم؛ زیرا حضور هر رسانه جدید، گشودن دریچه‌ای تازه به محیط‌زیست ایران است که بیش‌ازپیش نیازمند توجه همه ماست.

خانه‌نشین شده‌اند. همین موضوع، اهمیت اطلاع‌رسانی و خبررسانی در حوزه محیط‌زیست را دوچندان می‌کند. روزنامه «پیام ما» در کنار فصلنامه «صنوبر»، دو رسانه تخصصی در حوزه محیط‌زیست هستند که تلاش می‌کنند در زمینه تنوع زیستی آگاهی‌رسانی داشته باشند.

روزنامه «پیام ما»، به‌واسطه ماهیتش که روزانه منتشر می‌شود، می‌تواند اخبار روز را پوشش دهد و در حد توان خود جلوی آسیب‌ها را بگیرد. به‌علاوه، این روزنامه فضایی را برای کارشناسان حیات‌وحش ایجاد کرده تا بتوانند دیدگاه خود را در یک فضای رسمی منتشر کنند.



اوشنگ ضیایی

اپیش‌کسوت محیط‌زیست

نیم‌قرن پس از تشکیل سازمان حفاظت محیط‌زیست، چالش‌های این حوزه نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه شاهد انواع و اقسام مشکلات در این حوزه هستیم. تالاب‌ها خشک و زیستگاه‌ها تخریب شده‌اند، جمعیت حیات‌وحش کاهش یافته و بسیاری از کارشناسان این حوزه یا مهاجرت کرده یا

رسانه و کنشگری محیط‌زیست

چون خود بخشی از مشکل در یک شهرستان هستند؛ رسانه محیط‌زیستی نباید فقط برای طیف محدود فعالان محیط‌زیست بنویسد. مخاطب رسانه محیط‌زیستی، همه مردم‌اند؛ چون مردم، ذی‌نفعان اصلی طبیعت‌اند. از آب و خاک و جنگل و مرتع گرفته تا هوا، معیشت، سلامت و آینده فرزندان‌شان. محیط‌زیست مسئله گروهی خاص نیست؛ مسئله زندگی عمومی است.

رسانه محیط‌زیستی باید صدای بی‌صدای طبیعت باشد؛ صدای جنگلی که نمی‌تواند از خود دفاع کند، صدای رودخانه‌ای که خشک می‌شود، صدای خاکی که فرسوده می‌شود، صدای جامعه‌محلی‌ای که هزینه تصمیم‌های غلط را می‌پردازد، اما کمتر در فرایند تصمیم‌گیری دیده می‌شود. نقد سازنده، بیان دقیق مسئله و روایت مسئولانه می‌تواند توجه عمومی و حتی توجه ویژه تصمیم‌گیران را به موضوعی جلب کند که شاید در حالت عادی نادیده گرفته شود. رسانه

وقتی درست عمل کند، می‌تواند فاصله میان میدان و مرکز تصمیم‌گیری را کمتر کند، می‌تواند یک روند اشتباه را به خواست و مطالبه عمومی تبدیل کند.

البته باید پذیرفت که کار رسانه‌کردن، به‌ویژه در حوزه محیط‌زیست و مسائل عمومی، کار آسانی نیست. رسانه‌ها همیشه در ایزوله فعالیت نمی‌کنند. آن‌ها تحت‌تأثیر فضای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجودند؛ از نالیمن بودن شغل خبرنگاری گرفته تا داشت. وقتی مسئله‌ای از سطح محلی فراتر می‌رود و در برابر افکار عمومی گسترده‌تری قرار می‌گیرد، حتی برخی مدیرانی که در سطح استان پاسخگو نبودند، ناچار می‌شوند توضیح بدهند. گاهی همین فشار افکار عمومی، همین دیده‌شدن مسئله، باعث می‌شود مردم همراه شوند، حساسیت ایجاد شود و تصمیم‌گیران نتوانند به‌راحتی از کنار موضوع عبور کنند. باید هزینه طرح‌های مخرب را بالا برد. باید تصمیم‌گیران نسبت به تصمیم‌های خود در مقابل مردم قرار بگیرند. نمی‌شود پشت درهای بسته، به اسم مردم، برای مردم تصمیم‌هایی گرفت که آینده مردم و این سرزمین را نشانه بگیرد. البته این همراهی زمانی مؤثر است که جبهه‌گیری‌ها درست باشد، رسانه، اگر دقیق و مسئولانه عمل نکند، می‌تواند مسئله را از مسیر اصلی منحرف کند. گاهی دیدهایم که برخی نااش می‌کنند مسائل محیط‌زیستی را به مسئله قومی تبدیل کنند، یا بحران‌ها را بی‌اهمیت جلوه دهند، یا اصل مطالبه را با حاشیه‌سازی بی‌وشانند. گاهی هم مدیرانی که باید درباره حوزه مدیریتی خود پاسخگو باشند، به‌جای پاسخ‌گویی، نقش‌کنشگری می‌گیرند؛ در همان ساختار اداری دست‌به‌قلم می‌شوند و می‌نویسند، اما اینکه دقیقاً چه کسی را نقد می‌کنند و از چه جایگاهی، خودش جای تأمل و تعجب دارد.

چند استان قرار گرفته، اما مسئله زاگرس، مسئله‌ای ملی است. همین مسئله باعث شد که نگاه ما به رسانه جدی‌تر شود. رسانه فقط ابزار اطلاع‌رسانی نبود؛ بخشی از خود کنشگری بود. رسانه کمک می‌کرد افکار عمومی درگیر شود، پرسش شکل بگیرد، دستگاه‌های دولتی ناگزیر به پاسخ‌گویی شوند و صدای جوامع محلی و کنشگران میدانی شنیده شود.

در ابتدا تمرکز زیادی بر رسانه‌های استانی داشتیم؛ چون بسیاری از مسائل در همان سطح رخ می‌دادند و طبیعی بود که از همان‌جا روایت شوند. اما کم‌کم دیدیم که برخی مدیران نه‌تنها در سطح استان پاسخگو نیستند، بلکه تلاش می‌کنند مطالبه‌گری را پرچیزنه کنند؛ با فشارهای رسمی، گاهی از طریق گروه‌های موازی، فعالان خودی، گاهی با استفاده از رسانه‌های نزدیک به خودشان و گاهی هم با ساختن روایت‌هایی که هدفشان خاموش کردن صداهاست.

در چنین فضایی، مسئله فقط این نبود که یک مدیر پاسخ نمی‌دهد؛ مسئله این بود که گاهی تلاش می‌شد اصل مطالبه‌گری هزینه‌زا شود تا صدایی به جایی نرسد. به همین دلیل، برای ما روشن شد که باید صدا را از محدوده استان فراتر برد. باید مسئله زاگرس را همان‌طور که هست، یعنی مسئله‌ای ملی، عمومی و سرزمینی، روایت کرد. حضور رسانه‌های ملی و رسانه‌های مستقل در این مسیر اهمیت زیادی داشت. وقتی مسئله‌ای از سطح محلی فراتر می‌رود و در برابر افکار عمومی گسترده‌تری قرار می‌گیرد، حتی برخی مدیرانی که در سطح استان پاسخگو نبودند، ناچار می‌شوند توضیح بدهند. گاهی همین فشار افکار عمومی، همین دیده‌شدن مسئله، باعث می‌شود مردم همراه شوند، حساسیت ایجاد شود و تصمیم‌گیران نتوانند به‌راحتی از کنار موضوع عبور کنند. باید هزینه طرح‌های مخرب را بالا برد. باید تصمیم‌گیران نسبت به تصمیم‌های خود در مقابل مردم قرار بگیرند. نمی‌شود پشت درهای بسته، به اسم مردم، برای مردم تصمیم‌هایی گرفت که آینده مردم و این سرزمین را نشانه بگیرد. البته این همراهی زمانی مؤثر است که جبهه‌گیری‌ها درست باشد، رسانه، اگر دقیق و مسئولانه عمل نکند، می‌تواند مسئله را از مسیر اصلی منحرف کند. گاهی دیدهایم که برخی نااش می‌کنند مسائل محیط‌زیستی را به مسئله قومی تبدیل کنند، یا بحران‌ها را بی‌اهمیت جلوه دهند، یا اصل مطالبه را با حاشیه‌سازی بی‌وشانند. گاهی هم مدیرانی که باید درباره حوزه مدیریتی خود پاسخگو باشند، به‌جای پاسخ‌گویی، نقش‌کنشگری می‌گیرند؛ در همان ساختار اداری دست‌به‌قلم می‌شوند و می‌نویسند، اما اینکه دقیقاً چه کسی را نقد می‌کنند و از چه جایگاهی، خودش جای تأمل و تعجب دارد.



امید سجادیان

اتسپیلگر و دبیر تشکل

نهضت سبز زاگرس

از سال‌های دور، از همان روزهایی در اوایل دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ که پدرم نخستین قدم‌ها را برای تأسیس و پیشبرد فعالیت‌های کنشگری و مردم‌نهاد برداشت، نقش رسانه برای من معنایی جدی داشت. پدر در کنار همه فعالیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی‌اش، برای روزنامه‌ها و خبرنگاران می‌نوشت؛ یادداشت‌هایی که شاید در ظاهر ساده بودند، اما اثر می‌گذاشتند، مسئله‌ای را روشن می‌کردند، پرسشی را عمومی و گاهی راهی باز می‌کردند. من هم از همان دوران، به‌واسطه پدر، با روزنامه و اهمیت خواندن روزنامه آشنا شدم. روزنامه برای من، پنجره‌ای بود به جهان؛ دنیایی برای فهمیدن، پرسیدن و مسئول نگه داشتن کسانی که قدرت تصمیم‌گیری داشتند.

وقتی خودم وارد فعالیت‌های محیط‌زیستی شدم، در ابتدا علاقه‌ای نداشتم در جلسات شرکت کنم، سخنرانی داشته باشم یا زیاد دیده شوم. بیشتر دوست داشتم کارم را در میدان انجام بدهم؛ کنار مردم، در کوچه و جنگل و روستاها. برای من، مسئله محیط‌زیست جایی معنا پیدا می‌کرد که آتاش را در زندگی واقعی مردم می‌دیدم، نه فقط در گزارش‌ها و جلسات اداری. اما هرچه جلوتر رفتم، متوجه شدم که فقط کار میدانی کافی نیست. ذی‌نفعانی را نمی‌توان کنار گذاشت؛ ذی‌نفعانی که تصمیم‌گیران آن‌ها تأثیر مستقیمی بر زندگی و اکوسیستم دارند. پروژه‌هایی اجرا می‌شدند، تصمیم‌هایی گرفته می‌شد، اتفاقاتی می‌افتاد که اگر درباره‌شان نوشته نمی‌شد، اگر روایت نمی‌شدند، اگر به افکار عمومی نمی‌رسیدند، در سکوت پیش می‌رفتند و آثارشان بر طبیعت و زندگی مردم باقی می‌ماند. آنجا بود که نوشتن تبدیل شد به یک ضرورت اجتماعی. کم‌کم اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌ها آغاز شد. بعدتر مطالبه‌گری جدی‌تر شد. خبرنگاران وارد شدند، گفت‌وگوها شکل گرفت، صاحب‌ها منتشر شد و مسائل محلی راه خود را به رسانه‌ها باز کردند؛ چون بسیاری از موضوعاتی که در ظاهر استانی به نظر می‌رسند، در واقع اثر ملی دارند. به‌ویژه در حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی، هیچ مسئله‌ای صرفاً محلی نیست. جنگل، آب، خاک، حیات‌وحش و معیشت جوامع محلی، همه در یک چرخه به‌هم‌پیوسته‌اند. تصمیمی که در مرز سیاسی یک استان گرفته می‌شود، می‌تواند بر زندگی مردم، امنیت سرزمینی، منابع طبیعی و آینده زیستی کشور اثر بگذارد. زاگرس، هرچند در تقسیمات اداری میان

پرسش‌های قابل‌پیش‌بینی بپرسد و از خطوط ناوخته عبور نکند؛ یا اگر قرار است کسی را به چالش بکشد، این کار را درباره رقیب سیاسی یا حرفه‌ای «ما» انجام دهد، نه «می‌خواهد خودش را مطرح کند». البته من هرگز نگفته‌ام که نمی‌خواهم دیده شوم. چه کسی می‌تواند با اطمینان بگوید هیچ اهمیتی برای دیده‌شدن قائل نیست؟ مسئله اصلی این نیست که کسی می‌خواهد مطرح شود؛ مسئله این است که از چه راهی و با چه کاری می‌خواهد مطرح شود. آیا با پرسشگری و تولید محتوایی که بتوان درباره کیفیتش داوری کرد یا با مناسبات، نزدیکی‌ها و تکرار روایت‌های بی‌خطر؟ من نیز در آن گفت‌وگوها بی‌اشتباه نبودم. در مواردی، که دریافت کردم، دقیقاً به همین موضوع مربوط بود. آن نقد را پذیرفتم و هنوز با خودم همراه دارم. بنابراین، مسئله من مخالفت با نقد نیست. میان نقد حرفه‌ای و حمله شخصی تفاوتی جدی وجود دارد. نقد به روش، شواهد و استانداردهای کار می‌پردازد؛ حمله شخصی انگیزه‌ای را به فرد نسبت می‌دهد تا نیازی به پاسخ‌دادن به پرسش‌های او نباشد و البته انگیزه اصلی را از او می‌گیرد. تجربه محدود من در فضای محیط‌زیست نشان داده که بخشی از موانع روزنامه‌نگاری جدی، حتی مستقیماً به اقتصاد رسانه مربوط نیست. امروز فشار اقتصادی و غلبه شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها را کم‌حوصله‌تر از گذشته کرده است؛ اما همه مسئله این نیست. باور به رسانه آزاد هنوز در جامعه مافراگیر نشده است. روابط عمومی‌اشتباه گرفته می‌شود. در چنین فضایی، چگونگی می‌توان چنین گفت‌وگوهای را از رخدادهایی منفرد به بخشی پذیرفته‌شده از روزنامه‌نگاری محیط‌زیست تبدیل کرد؟

اگر بگویم از همان ابتدا می‌خواستم روزنامه‌نگار تحقیقی شوم، فکت‌ها را بررسی کنم و روایت‌های پذیرفته‌شده را به چالش بکشم، راست نگفتم. من با حضور است برای تهیه یک گزارش تحقیقی سه یا شش ماه صبر کردم و هزینه آن را بپردازم. پاسخ معمولاً روشن است؛ اقتصاد رسانه چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. این پاسخ نادریست؛ بحران اقتصادی رسانه‌ها واقعی و تعیین‌کننده است. با این حال، هنوز از خودم می‌پرسم: آیا همه چیز را می‌توان با اقتصاد رسانه توضیح داد؟ آیا نمی‌شد و هنوز هم نمی‌شود برای گشودن فضای بیشتری به روی روزنامه‌نگاری تحقیقی کاری کرد؟ بیشتر زمانی برای من جدی‌تر شد که تلاش کردم به برخی از چهره‌های شناخته‌شده محیط‌زیست گفت‌وگوهای چالشی داشته باشم. مصاحبه چالشی قالب ناشناخته‌ای در روزنامه‌نگاری جهان نیست، اما تجربه من نشان داد که در اینجا مسئله فقط اقتصاد رسانه نیست. پس از یکی از گفت‌وگوها، استاد



اعلی رنجبران

روزنامه‌نگار و حفاظت‌گرا

اگر بگویم از همان ابتدا می‌خواستم روزنامه‌نگار تحقیقی شوم، فکت‌ها را بررسی کنم و روایت‌های پذیرفته‌شده را به چالش بکشم، راست نگفتم. من با حضور است برای تهیه یک گزارش تحقیقی سه یا شش ماه صبر کردم و هزینه آن را بپردازم. پاسخ معمولاً روشن است؛ اقتصاد رسانه چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. این پاسخ نادریست؛ بحران اقتصادی رسانه‌ها واقعی و تعیین‌کننده است. با این حال، هنوز از خودم می‌پرسم: آیا همه چیز را می‌توان با اقتصاد رسانه توضیح داد؟ آیا نمی‌شد و هنوز هم نمی‌شود برای گشودن فضای بیشتری به روی روزنامه‌نگاری تحقیقی کاری کرد؟ بیشتر زمانی برای من جدی‌تر شد که تلاش کردم به برخی از چهره‌های شناخته‌شده محیط‌زیست گفت‌وگوهای چالشی داشته باشم. مصاحبه چالشی قالب ناشناخته‌ای در روزنامه‌نگاری جهان نیست، اما تجربه من نشان داد که در اینجا مسئله فقط اقتصاد رسانه نیست. پس از یکی از گفت‌وگوها، استاد



نگاره

گفت‌وگو «پیام ما» با خانواده مادری که برای زایمان به بیمارستان رفت و زنده نماند

مرگ مادری به بم رسید

رئیس بیمارستان «پاستور» بم؛ وزارت بهداشت تأکید بیشتری بر انجام زایمان طبیعی دارد

و مانیز براساس همان پروتکل ها عمل می‌کنیم

مادر «منصوره»؛ دخترم هیچ بیماری ای نداشت. ما از بیمارستان شکایت کردیم. دختر من با پای

خودش رفت، سالم رفت؛ مرده‌اش را به ما تحویل دادند

تا همین یک هفته پیش، محمد خوش‌بخت‌ترین آدم روزی زمین بود. بیست سال با منصوره زندگی کرده بود که به قول خودش «فرشته بود و خستگی ناپذیر» و با «دودختر که آرام بودند و همدم مادر»، تا همین یک هفته پیش، محمد و منصوره برای آینده خیال می‌یافتند و انتظار آمدن پسری را می‌کشیدند که نه فقط دخترانشان که کل فامیل چشم به تولدش دوخته بودند. یک هفته بعد اما در خانه، به جای مهمانی تولد، مجلس عزای برپا شد. شیون جای خنده و پدبختی جای خوشبختی را گرفت. منصوره را با آرزوی داشتن پسر به خاک سپردند. محمد ماند و نوزادی که «حتی یک روز شیر مادر را نخورد»، با دخترانی که بهانه مادر را می‌گیرند و حرف‌هایی که داغش را بیشتر می‌زند، می‌گویند چرا پدریش این بیمارستانی؟ «منصوره خوالفقاری، ۳۹ ساله، بعد از زایمان در بیمارستان «پاستور» بم درگذشت. مرگ او بار دیگر پرونده مرگ مادری در کشور را به جریان انداخته است.



اسوگل دانائی ا

روزنامه نگار

«دخترم هیچ بیماری ای نداشت، ما از بیمارستان شکایت کردیم، دختر من با پای خودش رفت، سالم رفت، مرده‌اش را به ما تحویل دادند.» مادر منصوره گوشی تلفن را روی بلندگو

مراجعه می‌کند تا مهایی زایمان شود؛ «ما دو دختر داشتیم؛ ۱۷ و یازده‌ساله، منصوره هر دوی آن‌ها را طبیعی به دنیا آورده بود. برای زایمان سوم هم گفتند طبیعی زایمان کند. خواهر من خودش جزو کادر بیمارستان بود. او با دوستانش که ماما هستند، صحبت کرده و همه آن‌ها گفتند در زایمان مشکلی ایجاد نشده.» محمد حرف‌هایش را با بغض و گلايه ادامه می‌دهد. در میان جملاتش از پزشک معالج و مسئولانی که از فرزندآوری گتفاندند، انتقاد می‌کند: «مدام می‌گویند فرزندآوری، من همسر را از دست دادم. حالا من ماندم و فرزندان بدون مادر» محمد دوباره روایت را از سر می‌گیرد: «پسرمان که به دنیا آمده، سه کیلو و ۷۰۰ گرم بود. گفتند سخت نفس می‌کشد و باید زیر دستگاه بماند. پسرم را بردند زیر دستگاه، اما خانم به خونریزی افتاد. گفتند باید رضایت بدهم تا او را به اتاق عمل ببرند، برای اینکه رحمش را تخلیه کنند. من رضایت دادم. هرچه مایل بودم، خواندم تا همسرم سالم از اتاق عمل بیرون بیاید. مدام به ما می‌گفتند حالش خوب است، مشکلی ندارد، اما دروغ می‌گفتند. وقتی جسدش را تحویل دادند که به پزشکی قانونی ببرم، تمام صورتش خون بود، همه بدنش خونریزی کرده بود؛ صورت و چشم و گوش.» از اینجا به بعد، روایت را خواهر محمد به دست می‌گیرد: «عمل زایمان را ماما ها انجام دادند. می‌گفتند

لحظه‌ای که پسرش به دنیا آمده و نفس کشیدنش مشکل داشته، شوکه شده، اما در نهایت بعد از چند بار ماساژ دادن، بچه به گریه افتاده.» او هم مانند برادرش تأکید می‌کند که منصوره مشکل قبلی نداشته و حتی زایمان برای او ریسک بالایی نداشته است: «ساعت ۱۰:۰۰ که زن را گذاشتند زایمان کرد، به خونریزی افتاد. ماماها و پرستاران داروهای لازم را برای بند آمدن خون به او دادند، اما خونریزی بند نمی‌آمد. پزشک کاشیک خیلی دیر آمد و در نهایت ساعت ۱۲:۲۰ تصمیم گرفت و از راه اتاق عمل «ببرد». خواهر محمد از دوستانش شنیده که از دکتر خواستند مادر زودتر به اتاق عمل بیود تا بتوانند خونریزی را بند بیاورند، اما پزشک تصمیم دیگری داشته است: «وقتی به اتاق عمل رفت که دیگر کار از کار گذشت، گفتند رحم را بردارند، اما همه بدن به خونریزی افتاده بود و در نهایت هم که...» خواهر محمد می‌گوید چندین پزشک و پرستار در اتاق عمل جمع شدند و عمل جراحی تا ساعات پنج صبح روز بعد ادامه داشته است. بعد او را به آی‌سی‌یو منتقل کردند و در نهایت منصوره، بدون اینکه حتی فرزند تازه متولد شده‌اش را در آغوش بگیرد، جانش را از دست می‌دهد.

آتش بار نیست؟

محمد بیمارستان را مقصر مرگ همسرش می‌داند و از آن شکایت کرده است. او حالا با حوالت‌های بی‌جوابی مانده که می‌خواهد مقام قضایی پاسخ آن‌ها را بدهد. آیا مقصر شیوه زایمان است؟ آیا قصور از تأخیر پزشک است؟ آیا منصوره باید زودتر به اتاق عمل می‌رفت؛ به جای پاسخ این پرسش‌ها، محمد بعد از مرگ منصوره از دوستان و آشنایانش کنایه شنیده است: «می‌گویند چرا خانم را به این بیمارستان آوردیم. می‌گویند این بیمارستان خوب نیست و مگر نمی‌دانستم که یک سال پیش هم یک دختر دیگر با بچه‌اش در آن مرده است؟» بیمارستان فوق‌تخصصی «پاستور» بم، ظرف مدت ۳۳۰ تخت خواب دارد. تنها بیمارستان دولتی شهر و وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بم

است و جز جمعیت ۵۰ هزار نفری بم، کم نیستند بیمارانی که از دیگر نقاط کرمان راهی آن می‌شوند. پریس‌وجوی «پیام ما» از روزنامه نگاران محلی نشان می‌دهد که از دیهشت سال ۱۴۰۴ هم یک مورد مرگ مادری دیگر در بیمارستان «پاستور» بم، همان جایی که منصوره در آن جان خود را از دست داد، رخ داده است. خبرنگاران جزئیات زیادی از این ماجرا نمی‌دانند، اما بم‌نشینان و حتی محمد، همسر منصوره، هم شنیده‌اند که خانواده مادری که پارسال درگذشت، در بیمارستان دعوا کردند: «آخیش هم معلوم نشد مقصر چه کسی است.» چند روزی بعد از این اتفاق، خبر تغییر در مدیریت دانشگاه علوم پزشکی بم منتشر می‌شود.

چه کسی مقصر مرگ منصوره است؟

امیررضا کلاتری، رئیس فعلی بیمارستان «پاستور» بم است. او ازویه دیگری به پرسش‌های «پیام ما» پاسخ می‌دهد. «آیا شیوه زایمان در مرگ منصوره مؤثر بوده؟» او می‌گوید: «براساس شاخص‌ها و پروتکل‌هایی که وزارت بهداشت تعریف کرده، اگر بیمار اندیکاسیون زایمان طبیعی را داشته باشد، زایمان طبیعی انجام می‌شود و اگر خارج از آن پروتکل باشد، سزارین انجام می‌شود. این موضوع در اختیار ما نیست و مطابق دستورالعمل‌های وزارتخانه انجام می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «وزارت بهداشت تأکید بیشتری بر انجام زایمان طبیعی دارد و ما نیز براساس همان پروتکل‌ها عمل می‌کنیم. در پایان هر فصل، وزارتخانه از ما آمار سزارین و زایمان طبیعی را می‌خواهد و اگر سزارین بالا باشد، از ما می‌پرسد که چرا این قدر سزارین بالا بوده است.» او درباره پرونده منصوره ذوالفقاری می‌گوید: «این مادر ۱۲ سال قبل هم زایمان داشته است. بعد از زایمان هم مودی نداشته است و پس از آن خونریزی شروع شده، اما متخصص زنان بیمار را با دارو، ماساژ و اقدامات لازم ویزیت کرده و روند درمان انجام شده. این فرد هم دوبار زایمان طبیعی داشته و براساس پروتکل، ما کار درستی انجام دادیم و زایمان به‌صورت طبیعی انجام شده بود. قبل از زایمان مشکلی وجود نداشت و بعد از زایمان این مشکل ایجاد شد.» آیا پزشک دیر رسیده است؟

رئیس بیمارستانی جواب می‌دهد: «ما پزشک معقیم داریم و علاوه بر آن، دو پزشک یرای پشتیبانی حضور دارند. یک پزشک پشتیبان زایمان به‌عنوان آن‌کال (آماده‌باش) دوم و مدیر گروه فعالیت می‌کند و هر زمان مودی نیاز به بررسی داشته باشد، مراجعه می‌کند. در این مورد نیز مدیر گروه مراجعه کردند.»

دادستان وارد شد

خبرفوت منصوره به دادستانی بم هم رسیده است. دادستانی و دانشگاه علوم پزشکی بم که بیمارستان «پاستور» وابسته به آن است، در دویبانه جداگانه اعلام کرده‌اند که پیگیر پرونده‌اند. در بایانه دانشگاه تأکید شده است: «در این مورد اخیر نیز خدمات درمانی و مراقبت‌های پزشکی لازم برای مادر انجام شده و در حال عین، همه‌راهنای او در تمام مراحل در کنار ایشان حضور داشتند؛ اما علی‌رغم تلاش‌های همه‌جانبه کادر درمان، متأسفانه این اتفاق ناگوار رخ داد.»

براساس این گزارش، «روند بررسی‌های کارشناسی و قانونی توسط تیم‌های تخصصی آغاز شده و گزارش اولیه موضوع نیز در همان ساعات اولیه وقوع حادثه به وزارت بهداشت منعکس شده است.» این داشگاه تأکید کرده است که تا روشن شدن

کامل علت حادثه، روند بررسی را با دقت ادامه می‌دهد. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بم از ورود دستگاه قضایی به موضوع فوت یک مادر در بیمارستان خبر داده و گفته است که ایجاد متخلف این حادثه با دقت در حال بررسی است و در صورت احراز هرگونه قصور یا تخلف، با مقصران احتمالی بدون اغماض برخورد قانونی می‌شود.

نسبت شاخص‌های توسعه و مرگ مادری

مرگ از هنگام حاملگی تا ۴۲ روز پس از زخم بارداری، صرف‌نظر از مدت و محل حاملگی، به هر علتی که مرتبط با بارداری یا مراقبت‌های مربوط به آن باشد، در ادبیات وزارت بهداشت، مرگ مادری تلقی می‌شود. سازمان بهداشت جهانی می‌گوید در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۶۰ هزار زن در جهان به دلیل عوارض مرتبط با بارداری و زایمان جان خود را از دست دادند و عمده این مرگ‌ها در کشورهای با درآمد پایین و متوسط رخ می‌دهد. دلیل عمده مرگ مادری، براساس گزارشی در نیوتیسنف، به خونریزی شدید بعد از زایمان، اختلالات فشار خون بارداری و عفونت‌ها مربوط است. نیود مرگ مادری در یک کشور، یعنی آن کشور توسعه‌یافته است. در دهه‌های اخیر، نرخ مرگ‌ومیر مادران در ایران کاهش چشمگیری داشته، اما صفر نشده است. باین‌حال، براساس آخرین آمارهای مرکز آمار، نرخ مرگ‌ومیر مادران به هنگام زایمان در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده در سال ۱۴۰۳، ۲۲ مورد بوده که نسبت به سال ۹۶ بیشتر است. این گزارش نرخ مرگ‌ومیر مادران را در سال ۲۰۹۶ مورد، در سال ۹۷، ۱۷.۷۷ مورد و در سال ۹۸، ۲۱.۸۹ مورد عنوان کرده است.

یک مطالعه بوم‌شناختی در سال ۹۴ در دانشگاه کرمان، مرگ‌های مادری در بازه زمانی ۸۶ تا ۹۱ در کشور را تحلیل کرده بود. نتایج این پژوهش نشان داد نسبت مرگ مادری در سال‌های مورد بررسی، ۲۲.۳ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده بوده است؛ رقمی که به‌طور متوسط، سالانه حدود ۰.۴۱ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده را نشان داد. در مقایله، بین استان‌ها، سیستان و بلوچستان با ۴۸.۶ مورد در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده، بالاترین و چهارم‌حال وختیار با ۹.۶ مورد، پایین‌ترین نسبت

مرگ مادری را ثبت کرده‌اند.

بررسی‌های اساتذتی نیز وجود یک رابطه معکوس و معنادار آماری میان نسبت مرگ مادری و شاخص‌هایی مانند نرخ حضور دختران در دوره راهنمایی، سطح پاسودی زنان و مردان، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، برخورداری از سیستم بهینه دفع فاضلاب و همچنین پوشش مراقبت‌های دوران بارداری و پس از زایمان را نشان داد. در مقابل، بین درصد زایمان‌های انجام‌شده در منزل و زایمان توسط ماماها، محلی با نسبت مرگ مادری، همبستگی مثبت و معنادار آماری مشاهده شد. این اولین پرونده مرگ مادری در ایران نیست. روزنامه «پیام ما» در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، دو پرونده، یکی در چابهار و دیگری در زارنار، را پیگیری کرده بود. در پرونده چابهار، مرگ مادری در یک سال رخ داده بود.

پایان ناخوش

محمد می‌گوید کفش آهنی به پا کرده است: «پاره تن خودم که رفت، اما این قدر پیگیری می‌کنم تا کسی دیگر سرنوشت من را پیدا نکند.» او تا یک هفته پیش کفش را نمی‌کرد که منصوره برود و او با نوزادی بماند که حتی «یک روز هم مادرش را بغل نکرد.»

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پایه اول

پ

املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمرسانند وخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید تا ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمناً معترض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده‌واحد قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۱ و ماده ۸۶ آئین نامه اجرایی ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

حمید رضا باقرپور

رئیس اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان دشتستان

از طرف، مرتضی قاسمی

اقدام‌کننده: محمدحسین قصابی

شناسه آگهی: ۲۲۳۷۳۳۰ الف/۲۲۳۷

نوبت دوم	اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان کرمان اداره ثبت‌استاد و املاک حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵-۱۶۸۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهر شیرآباد تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی آقای/فهمید حیدری‌نژاد فرزند درویش به‌شماره شناسنامه ۱۵۰۰ صادره از در یک باب خانه به مساحت ۲۳۹ مترمربع پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک - فرعی از ۴۹ اصلی قطعه - واقع درخ دکر اترک قدیم کوجه دستغیب خریداری از مالک رسمی خاتم فرخنده امیری محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ شناسه آگهی: ۲۲۳۳۷۴۸۰ الف/۲۲۳۳
----------	--

سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور

اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان بوشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه تحدید حدود از شش‌دانگ یک قطعه نخلستان به شماره پلاک ۲۸۲۲/۳۵۶ واقع در بخش سه بوشهر - برازجان - اراضی روستای برمک مورد درخواست آقای نعمت الهه برامکی از طرف وارث علیرضا برامکی به ایشان واگذار گردیده است. نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تحدید حدود نموده است در روز ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ در محل شروع بعمل خواهد آمد.

اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان

یک‌دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب خانه و خانم زلیخا عبداللهه‌پور به شناسنامه شماره ۴۵۸ کدملی ۴۳۳۳۵۳۹۰۹۹ فرزند آوات در یک‌دانگ مشاع از شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲/۰۵ مترمربع پلاک شماره ۴ فرعی از ۴۸۰۲ اصلی واقع در قزوین بخش ۲ قزوین حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأیید گردیده است.

لذا مراتب به‌منظور اطلاع عموم در دو روزنامه، یک روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کنترالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

شعبان عسگری، رئیس ثبت‌استاد و املاک

شناسه آگهی: ۲۲۳۰۳۱۴

نوبت دوم	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان مازندران آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۵/۴۰۱۰۰۸۰۰۱۲۷۴ هیات اول /رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۱۰۰۸۰۰۱۲۷۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی عباس‌آباد تصرفات مالکانه و پلامعارض خانم الهام رضائی نورودی فرزند مهدی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی مساحت ۲۸۹/۰ مترمربع تحت پلاک ۲۶۵۹ - فرعی از ۳۷۲ - اصلی واقع در قریه تبلیوسر دهستان کلارآباد خریداری از مهدی رضائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ سقا قاسمی - رئیس اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان عباس‌آباد اقدام‌کننده: رضا باقریان شناسه آگهی: ۲۲۳۰۶۸۶۰ الف/۲۲۳۰
----------	---

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۰۱۰۰۸۰۰۱۲۷۴ هیات اول /رای شماره ۱۴۰۵/۳۰۱۰۰۸۰۰۱۲۷۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۵/۳۰۱۰۰۸۰۰۱۲۷۴ هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سید صالحی جویباری فرزند سید نفی نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن مساحت ۱۱/۰ متر مربع قسمتی از پلاک - فرعی از -۱ اصلی واقع در قریه جویبار - خیابان شهید ققیان - کوجه آقاپور بخش هفت ثبت جویبار خریداری از کمیل دگرایی محرز گردید. لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کنترالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی‌که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت ملک و حق تعلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، مدارات به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مدیارت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

رییس ثبت جویبار - قدیر یوسفی‌نیا

شناسه آگهی: ۲۲۳۰۱۰۶۰ الف/۲۲۳۰

نوبت اول	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان گیلان اداره ثبت‌استاد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۰۱۸۰۰۲۰۴۹۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی خانم پوران جمالیان خالمانی فرزند غلامرضا به‌شماره شناسنامه ۶۸۴ صادره از در شش‌دانگ یکقطعه زمین مشتمل بر ساختمان (سوئیت) به مساحت ۷۷/۲۴ مترمربع پلاک فرعی ۳۹۲ از ۱ اصلی مفروز و مجری شده از پلاک ۲ فرعی از ۵ اصلی واقع در قریه شامه بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالک رسمی آقای / غلامرضا جمالیان (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌استاد و املاک شفت شناسه آگهی: ۲۲۴۳۱۵۵۰ الف/۲۲۴۳
----------	--

نوبت دوم	سازمان ثبت‌استاد و املاک کشور اداره کل ثبت‌استاد و املاک استان مازندران آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۵/۸۰۰۰۴۳۳۵ هیات اول /رای شماره ۱۴۰۵/۳۰۱۰۰۸۰۰۱۲۷۴ هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی عباس‌آباد تصرفات مالکانه و پلامعارض آقای مهدی شوکتی صیاد فرزند محرم نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی مساحت ۱۰۰/۶۸ مترمربع تحت پلاک ۷۱۵ فرعی از ۱۷۵ - اصلی واقع در قریه پرچور دهستان لنگا خریداری از علی درویش هردوئی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض و دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ سقا قاسمی - رئیس اداره ثبت‌استاد و املاک شهرستان عباس‌آباد اقدام‌کننده: رضا باقریان شناسه آگهی: ۲۲۲۷۵۱۹۰ الف/۲۲۲۷
----------	---

به مناسبت روز خبرنگار، فعالان و حفاظت‌گران محیط‌زیست از نقش روزنامه‌نگاری در حفاظت می‌گویند

راویان حفاظت

پوریا سپهوند: آینده سرزمین تنها در آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، میدان‌های حفاظت یا عرصه‌های مدیریتی ساخته نمی‌شود؛ در تحریریه‌ها نیز نوشته می‌شود



فاطمه باباخانی | روزنامه‌نگار

یادداشت |

به احترام آنان که روایت را به کنش پیوند می‌زنند

پیش از آنکه یک زیست‌بوم از دست برود، ضرورت توجه به آن را یادآوری می‌کند. در سال‌هایی که در کنار پژوهشگران، استادان، دانشجویان، کارشناسان و کنشگران محیط‌زیست فعالیت کرده‌ام، همواره یک خلأ را احساس کرده‌ام؛ نبود رسانه‌ای تخصصی که بتواند این جامعه علمی و حرفه‌ای را گرد هم بیاورد، زبان مشترک آنان باشد و بستری برای گفت‌وگو، نقد و طرح مسائل فراهم کند؛ رسانه‌ای که صرفاً خبرمنتشر نکند، بلکه از دل دانش، مسئله بسازد و از دل مسئله، مطالبه عمومی شکل دهد. حفاظت از محیط‌زیست، بدون روایت دقیق و مسئولانه، نمی‌تواند مسیر پایداری را طی کند.



پوریا سپهوند | حفاظتگر محیط‌زیست

هفدهم مرداد، روزخبرنگار بیش ازآنکه فرصتی برای تیریک باشد، مجالی است برای قدردانی از کسانی که با روایت درست، بخشی از مسئولیت حفاظت از سرزمین و جامعه را بر عهده گرفته‌اند. در حوزه محیط‌زیست، خبرنگار صرفاً ناقل خبر نیست؛ او می‌تواند یک حفاظتگر باشد؛ کسی که با قلم خود،

یادداشت |

شایسته احترامید



ایمان ابراهیمی | حفاظت‌گرا

برای من همچنان شگفت‌انگیز است که در ایران روزنامه‌ای داریم که محور اصلی آن محیط‌زیست است؛ آن هم در خاورمیانه‌ای که همیشه با جنگ، بحران‌های سیاسی، مسائل اقتصادی و انبوهی از مشکلات اجتماعی روبه‌رو است. شگفت‌انگیزتر اینکه اکنون، با گذشت چندین ماه از آغاز جنگ و تغییر طبیعی اولویت‌ها و دغدغه‌های مردم، «پیام ما» همچنان هر روز منتشر می‌شود و محیط‌زیست را از میان هیاهوی خبرهای بزرگ‌تر و فوری‌تر بیرون می‌کشد و مقابل چشم جامعه قرار می‌دهد.

ما معمولاً نداشته‌هایمان را بهتر از داشته‌هایمان می‌بینیم. کمبودها، ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌ها چنان آشکارند که گاهی فراموش می‌کنیم چه چیزهای ارزشمندی در اختیار داریم. خبرنگاران حرفه‌ای، دغدغه‌مند، متخصص و پرکاری که سال‌هاست در حوزه محیط‌زیست فعالیت می‌کنند، یکی از همین داشته‌ها هستند؛ داشته‌ای که دست‌کم من شخصاً به آن بسیار می‌یالم.

یکی از تجربه‌های مکرر من این بوده که مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست و دیگر نهادهای مرتبط، اخبار و گزارش‌های خبرنگاران محیط‌زیست را، چه در «پیام ما» و چه در سایر رسانه‌ها، با دقت دنبال می‌کنند. این موضوع برای من نشانه دو اتفاق مهم است.

نخست اینکه خبرنگاران محیط‌زیست آن‌قدر خستگی‌ناپذیر بوده‌اند که اهمیت خبر محیط‌زیستی و اهمیت جایگاه خودشان را در ساختار تصمیم‌گیری کشور تثبیت کرده‌اند. خبر محیط‌زیستی دیگر چیزی نیست که بتوان به‌سادگی آن را نادیده گرفت یا به حاشیه راند.

اتفاق دوم، حتی امیدوارکننده‌تر است؛ جامعه نیز این گزارش‌ها را دنبال می‌کند. مدیر می‌داند خبری که خبرنگار محیط‌زیست منتشر کرده، صرفاً موضوعی نیست که برای آن خبرنگار اهمیت شخصی داشته باشد، بلکه می‌تواند نماینده نگرانی و مطالبه بخشی از جامعه باشد. همین



المیرا رضی | حفاظت‌گرا

برای من، به‌عنوان یک فعال در حوزه حفاظت از حیات‌وحش، «پیام ما» فقط یک روزنامه نیست؛ رسانه‌ای است که صدای طبیعت را به گوش جامعه می‌رساند. در شرایطی که مسائل محیط‌زیست‌وتنوع زیستی معمولاً در اولویت رسانه‌ها و حتی سیاست‌گذاری‌های کشور قرار نمی‌گیرند، وجود رسانه‌ای که با جدیت و استمرار این موضوعات را دنبال کند، بسیار ارزشمند است.

به نظر مهم‌ترین نقطه قوت «پیام ما» این است که توانسته پلی میان متخصصان، فعالان محیط‌زیست و مردم باشد. مطالب این روزنامه هم برای پژوهشگران و کارشناسان قابل‌استفاده است و هم برای کسانی که شاید تا امروز ارتباط چندانی با مسائل محیط‌زیست نداشته‌اند. این ویژگی باعث می‌شود موضوعی که به زندگی همه

محیط‌زیست



محیط‌زیست

روابط میان انسان، طبیعت و تصمیم‌های اجتماعی و سیاسی است. همین شناخت است که به یک خبرنگار اجازه می‌دهد بداند کجا باید بیشترین تلاش را به کار گیرد، کجا باید پیگیری کند و کجا باید برای روشن‌شدن حقیقت ایستادگی کند. به باور من، آینده سرزمین تنها در آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، میدان‌های حفاظت یا عرصه‌های مدیریتی ساخته نمی‌شود؛ در تحریریه‌ها نیز نوشته می‌شود. خبرنگارانی که با دقت، استقلال و تعهد، مسائل محیط‌زیستی را روایت می‌کنند؛ کسانی که پیش ازآنکه چیزی از دست برود، جامعه را به دیدن، فهمیدن و مسئولیت‌پذیری دعوت می‌کنند. هفدهم مرداد، روزاحترام به همین حفاظت‌گران است؛ کسانی که قلم را به ابزاری برای حفاظت از طبیعت، جامعه و آینده تبدیل کرده‌اند.

نقطه‌ای است که یک رسانه را از یک منتشرکننده خبر به یک نهاد اثرگذار اجتماعی تبدیل می‌کند. ما فعالان محیط‌زیست بارها گفته‌ایم که حفاظت‌گران محیط‌زیست ایران، خود در معرض فرسایش و انقراض قرار گرفته‌اند؛ چراکه ماندن در این مسیر با دشواری‌های فراوان اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و روانی همراه است. خبرنگاران محیط‌زیست نیز بخشی از همین جامعه حفاظت‌گران هستند. آنان با دوربین، قلم و پرسشگری خود از همان چیزی دفاع می‌کنند که دیگر حفاظت‌گران با حضور در میدان از آن پاسداری می‌کنند. اگر عشق، مسئولیت‌پذیری و خودگذشتگی نباشد، ادامه‌دادن در این مسیر ممکن نیست. روزنامه‌نگاران در «پیام ما» می‌دانند حفاظت از محیط‌زیست تنها درباره یک گونه، یک منطقه یا یک بحران نیست؛ مجموعه‌ای پیچیده از

تنها یک عدد یا یک رکورد نیست؛ حاصل هزاران ساعت تلاش، جست‌وجو، گفت‌وگو، راستی‌آزمایی، پیگیری و ایستادگی است. هر مدیرومسئول، خبرنگار و روزنامه‌نگاری که سختی‌های این حرفه را تجربه کرده باشد، می‌داند که حفظ یک رسانه و تداوم انتشار آن، به همان اندازه که یک موفقیت رسانه‌ای است، یک اقدام مسئولانه برای حفظ جریان آگاهی در جامعه است. به همین دلیل، «پیام ما» برای من تنها یک روزنامه نیست. این رسانه توانسته بخشی از همان خلأ تاریخی را پر کند؛ رسانه‌ای که خود را «رسانه توسعه پایدار» می‌داند و روزنامه‌نگاری مستقل و تحقیقی را در مرکز فعالیت خود قرار داده است. فاصله‌گرفتن از هیاهوی نشان می‌دهد که دوام آوردن در این عرصه، خود یک کنش حفاظتی است. از همین منظر، انتشار ۳۴۶۴ شماره از یک روزنامه،

نمی‌توان تنها از خبرنگار انتظار بیشتری داشت. باید امیدوار بود فراتر از فرد خبرنگار، کل چرخه تولید و انتشار خبر نیز دچار تحولی جدی شود؛ از اقتصاد رسانه و امنیت شغلی گرفته تا دسترسی آزاد به اطلاعات و فرصت کافی برای تهیه گزارش‌های تحقیقی.

در برابر خبرنگاران محیط‌زیست کشورم، بیش از هر چیز به‌خاطر شجاعشان سر تعظیم فرود می‌آورم. خبرنگار محیط‌زیست ایرانی در سال‌های گذشته ثابت کرده است که نمی‌ترسد. از عواقب انتشار خبری که برای طبیعت و کشورش مهم است، نمی‌ترسد و تحت فشار یا تهدید، به‌آسانی از انتشار آنچه باید منتشر شود، منصرف نمی‌شود. بی‌شک استثنائهایی وجود داشته و خواهد داشت، اما جامعه روزنامه‌نگاران محیط‌زیست ایران در مجموع استقلال خود را ثابت کرده است؛ استقلالی که در شرایط پیچیده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امروز ایران، دستوراد کوچکی نیست. موضوع دیگری که همیشه برای من تحسین‌برانگیز بوده، توانایی خبرنگاران محیط‌زیست در شنیدن صدا، فارغ از شهرت گوینده آن است. در این سال‌ها بارها شاهد بوده‌ام که خبرنگاران ما صدای افرادی شده‌اند که شناخته‌شده نبودند، اما حرفی مهم، تازه یا تعیین‌کننده داشتند. گاهی شنیده شدن همین صدا در یک لحظه حساس، توانسته است مسیر یک تصمیم یا یک پرونده محیط‌زیستی را تغییر دهد. انتشار چنین صداهایی همیشه بدون ریسک نیست. اعتماد کردن به یک منبع ناشناخته، ایستادن کنار فردی که قدرت یا تربیونی ندارد و پیگیری ادعایی که ممکن است برای نهادهای قدرتمند خوشایند نباشد، مسئولیت سنگینی است. بارها دیده و شنیده‌ام که خبرنگاران محیط‌زیست، حفاظت‌گران ایرانی را مستقیم یا در میان کلماتشان تحسین کرده‌اند؛ برای اینکه در چنین شرایط پیچیده اجتماعی و اقتصادی همچنان برای حفاظت از طبیعت تلاش می‌کنند و از مسئولیت خود کم نمی‌گذارند.

اکنون، به مناسبت روز خبرنگار، می‌خواهم به‌عنوان یک حفاظت‌گر این تحسین را به خود شما بازگردانم. شما نه‌تنها شایسته احترام عمیقید، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از آن چیزی هستید که امروز در ایران حفاظت از طبیعت می‌نامیم. اگر شما نبودید و صدای حفاظت نمی‌شدید، احتمالاً بخش بزرگی از همین تلاش‌ها نیز وجود نداشت یا صدایش در میان صداهای بلندتر گم می‌شد. شکست‌ها بیشتر به سرخوردگی تبدیل می‌شد و رهاکردن، بسیار آسان‌تر از ادامه دادن بود.

اعلی شمس

ایبولاوزیست حفاظت و محقق دانشگاه «کپ‌تاون»



شاید برای خیلی‌ها عجیب باشد که دوست صمیمی من محیط‌زیستی، یک خبرنگار است! در میان هم‌صنف‌هایم، این دوستی را گاهی به طعنه، «رفاقت یوز و آهو» می‌نامند. اما راستش را بخواهید، در بسیاری از موضوعات، برخی از خبرنگاران محیط‌زیست را از خود ما متخصصان اثرگذارتر می‌دانم. منظورم آن دسته از خبرنگارانی است که همیشه نشان بوی آتش زاگرس می‌دهد و کش‌هایشان هنوز گل هورالعظیم را در خود دارد؛ آن‌ها که با بی‌محلی کارشناسان خم به آبرو نمی‌آورند و با طعنه و شکایت مدیران استوارتر می‌شوند؛ آن‌ها که در حساس‌ترین لحظات، انصاف و اخلاق را میزان می‌کنند؛ نه نظر شخصی را، نه جبهه‌گیری گروهی را. برای من متخصص، خیلی سخت است که جایگاهی خلاف میل یا علم من وجود داشته باشد. اما شما خبرنگاران، حتی اگر تخصص عمیقی در یک موضوع محیط‌زیستی داشته باشید، باز باید بی‌طرفانه حق مطلب را ادا کنید. این، به نظرم، نقطه تمایز شماسات و شاید ریشه بسیاری از تعارضات ما با شما! ما اهل موضوعیم، شما اهل آینه.

خدمت شما ثبت خاموش فجایعی است که خیلی‌ها ترجیح می‌دهند نبینند؛ مدیران به مصلحت نمی‌دانند و گاهی حتی ما متخصصان، به غرور علمی خود، فجیع نمی‌دانیم، شما چشم‌های بیدار زمین هستید، حتی وقتی ما خواب‌های تخصصی می‌بینیم. اما راستش، این همه انصاف و بی‌طرفی همیشه آسان نیست. از سویی، شما گاه لازم دارید تیرتی داغ بنزید یا بحثی چالشی به راه بیندازید تا بیشتر دیده شوید. مخاطب این را دوست دارد، اما من متخصص از آن فراری‌ام؛ چون مسیر اقدامات حفاظتی را پیچیده می‌کند. خیلی از تیرهای شما سرنوشت مناطق و حتی

محیط‌زیست به جای خبر فوری

شده‌ام. حجم اخبار عمومی و سیاسی در کانال به‌طور محسوس افزایش پیدا کرده است؛ اخباری که مخاطب امروزی را ده‌ها کانال و رسانه عمومی دیگر هم به آن‌ها دسترسی دارد. این نگرانی برای من به وجود آمده است که این تغییر رویه به سمت پوشش اخبار فوری، تمرکز اصلی و هویت منحصربه‌فرد «پیام ما» را کم‌رنگ کند. من «پیام ما» را می‌خوانم تا از اخبار مناطق تحت حفاظت، چالش‌های تنوع زیستی، دستاوردهای طرح‌های حفاظت از حیات‌وحش، وضعیت تالاب‌ها و بحران آب بدانم؛ موضوعاتی که اگر شما به آن‌ها نپردازید، در لایه‌لای اخبار روزمره کاملاً فراموش می‌شوند.

در آخر، اجازه می‌خواهم که به تمام همکاران «پیام ما» که در این شرایط دشوار چراغ نگاه تخصصی و مستقل به محیط‌زیست را روشن نگه داشته‌اند، دست‌مریزاد بگویم و امیدوارم «پیام ما» همچنان باصلاط، همان مرجع تخصصی، شجاع و متمایزی باقی بماند که همواره به وجودش احتیاج داریم.

دارند، نقطه قوت اصلی «پیام ما» وفاداری‌اش به زبان تخصصی، نگاه داده‌محور و گزارش‌های موثق میدانی است. عدم تمرکز بر تهران و انعکاس صدای مناطق مغفول‌مانده و کمتر شناخته‌شده، در کنار شجاعت و استقلال حرفه‌ای در پرداختن به موضوعات حساس زیست‌محیطی و اجتماعی، از «پیام ما» رسانه‌ای متمایز و قابل‌اعتماد ساخته است. این لحن کارشناسی و مقاومت برای حفظ استقلال، دقیقاً همان نقطه اتکایی است که این روزنامه را برای جامعه متخصصان و فعالان این حوزه به مرجعی مطمئن تبدیل می‌کند. اگر بخواهم پیشنهادی برای اثرگذاری بیشتر آن داشته باشم، ایجاد یک روند منظم برای پیگیری گزارش‌های قلی و عدم اکتفا به طرح اولیه یک بحران را در چرخه اطلاع‌رسانی روزنامه بسیار مؤثر می‌بینم.

تنها نکته‌ای که لازم دیدم به آن اشاره کنم، این است که به‌عنوان یک مخاطب، در ماه‌های اخیر و به‌ویژه پس از تحولات و شوک‌های سیاسی، متوجه یک تغییر روند

اپریسا شوکتی

حفاظت‌گرا



به بهانه روز خبرنگار فرصتی دست داد تا به‌عنوان یک مخاطب مداوم «پیام ما» درباره‌اش بنویسم و پیش از همه، ضمن تبریک به همه خبرنگاران متعهد، باانصاف و آگاه، قدردان «پیام ما» به‌عنوان یک رسانه دغدغه‌مند و وزین باشم و سعی کنم در این یادداشت، نگاهی شفاف و منصفانه به مسیری که این رسانه طی می‌کند، داشته باشم. من «پیام ما» را هم از طریق سایت و هم کانال تلگرام، به‌صورت روزانه دنبال می‌کنم. برای کسی که در عرصه محیط‌زیست، حفاظت از حیات‌وحش و تنوع زیستی فعال است، این روزنامه فقط یک نشریه روزمره نیست؛ یک «ضرورت» است. در دنیایی که همه با اخبار سطحی و چندکلمه‌ای سعی در هرچه بیشتر دیده‌شدن





اطراف بابای آقا

صاحب‌نظران در گفت‌وگو با «پيام ما» درباره انتقال اموال پژوهشکده هنرهای سنتی به «کاخ سعدآباد» هشدار دادند

کوچ اجباری یک قرن هنر

کارشناسان می‌گویند استقرار نیروهای اتوبوسی وزارت میراث فرهنگی بر حفظ پژوهشکده‌ای صدساله اولویت یافته است

دستور انتقال اموال پژوهشکده هنرهای سنتی به مجموعه سعدآباد، بار دیگر تجربیات تلخ گذشته را زنده کرده است. برخی کارشناسان این حوزه معتقدند این تصمیم، عدم صلاحیت وزیر میراث فرهنگی و معاونانش را بیش‌ازپیش نمایان ساخته است؛ وزیری که، به گفته آنان، عده‌ای را اتوبوسی با خود به وزارتخانه آورده و حالا حضور این افراد را بر آثار ارزشمند پژوهشکده هنرهای سنتی ارجح دانسته است. بعضی کارشناسان در گفت‌وگو با «پيام ما» نسبت به احتمال سرقت برخی از آثار حین جابه‌جایی ابراز نگرانی کرده‌اند. اتفاقی که پیش‌تر هم در کاخ سعدآباد و هم هنگام جابه‌جایی اموال سازمان میراث فرهنگی در سال ۸۸ رخ داد.



اصبا رضایی ا

روزنامه‌نگارا

❖ درخواست‌درخواست انتقال اموال فرهنگی-تاریخی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با صدور مجوز انتقال قطعی اموال فرهنگی-تاریخی و آثار هنری گروه هنرهای سنتی به مجموعه فرهنگی-تاریخی سعدآباد، روند ایجاد «موزه هنرهای ملی ایران» را آغاز کرده است.

«علی دارابی»، قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ومعاون میراث فرهنگی، در نامه‌ای به «سیدرضا صالحی‌امیری»، وزیر میراث فرهنگی، خواستار صدور مجوز انتقال قطعی اموال فرهنگی-تاریخی و آثار هنری مرتبط با گروه هنرهای سنتی به مجموعه سعدآباد شده است.

در این نامه با اشاره به دستور پیشین وزیر درباره بازگری در جایگاه و نحوه فعالیت گروه هنرهای سنتی و همچنین ساماندهی اموال فرهنگی-تاریخی و آثار هنری این مجموعه، آمده‌است که انتقال آثار می‌تواند زمینه‌ی ایجاد موزه هنرهای ملی ایران و فراهم شدن شرایط مناسب برای حفاظت، صیانت، مطالعه، معرفی ونمایش آثار هنرهای ملی کشور را فراهم کند. دارابی تأکید کرده‌است که اجرای این انتقال پس از طی تمامی تشریفات وضوابط قانونی انجام خواهد شد.

بر اساس این نامه که در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ تنظیم شده، درخواست انتقال آثار پس از بررسی دروزارت میراث فرهنگی به وزیر ارائه و مجوز لازم برای آغاز فرآیند انتقال صادر شده است.

یادداشت

آنچه بر میراث می‌گذرد



ا سید محمود چاوشی ا

ا مرتگرا

در روز جمعه نهم مردادماه ۱۴۰۵، با موزه نگارستان میزان مراسم بزرگداشت استاد اسماعیل یغمایی، باستان‌شناس پیشکسوت، بود. این مراسم با نمایش مستندی از فعالیت‌های میدانی او در محوطه‌های چون تپه «قلاچی» در آذربایجان غربی، تپه «حصار» در دامغان و «برک سیاه» در بزرجان آغاز شد. سپس جمعی از اساتید، دوستان و همکاران استاد یغمایی، از جمله احمد محیط طباطبایی، پیرایه یغمایی، فخری دانش‌پور پورور، محمدرضا خلعتبری، آرمان شیشه‌گر، محمدابراهیم زارعی، احمد یغمایی، مهرداد ملکزاده، کاوه یغمایی، نوید یغمایی، فاطمه علی‌اصغر، مرجان حاجی‌پور، رسول وطن‌دوست و معراج زمانی، هر یک از زاویه‌ای، خاطرات، ایستادگی‌های علمی و دشواری‌های شغلی او را بازگفتند. آنچه در ادامه می‌آید، نگاه نسلی جوان‌تر به این رویداد است؛ روایتی که از دل یک مراسم یادبود، به کاوش در چالش‌های ساختاری میراث فرهنگی ایران می‌پردازد.

این مراسم برای من که تقریباً جوان‌ترین فرد میان جمع بودم و هرگز توفیق دیدار نزدیک استاد یغمایی را نداشته‌ام، بیش از هر چیز، معنای تعلق به این خاک را تداعی می‌کرد. او با وجود تمام دشواری‌ها و موانعی که پیش رویش قرار گرفت، در هر دوره از زندگی‌اش، به گونه‌ای در مسیر خدمت به میهن گام برداشت. در ابتدای برنامه، صدای خواهر مرحوم از طریق فایل صوتی پخش شد و سپس دکتر فخری دانش‌پور پورر به روایت

منابع تاریخی نفیس را در اختیار داشت. بخشی از این اسناد و کتاب‌ها، حدود ۳۰ هزار مورد، پس از انتقال به شیراز در شرایط نامناسب نگهداری شدند و زمانی که دوباره بازگردانده شدند، بخش قابل توجهی از آنها، حدود یک‌سوم یا بیشتر دیگر وجود نداشت و سرنوشتشان مشخص نشد.»

این کارشناس با اشاره به انتقال پژوهشکده هنرهای سنتی در همان دوره می‌گوید: «این مجموعه با پیشینه‌ای بیش از یک قرن، امتداد مدرسه هنرهای مستطرفه است و انتقال آن به اصفهان آسیب‌های زیادی به همراه داشت. کارکنان و هنرمندان این مجموعه نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو شدند؛ چراکه انتقال یک نهاد تخصصی فقط جابه‌جایی ساختمان و اشیان نیست، بلکه شبکه‌ای از دانش، تجربه و ارتباطات انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

به گفته «وورد»، تیم مدیریتی جدید وزارت میراث فرهنگی از بدنه تخصصی این حوزه نیست و پرسش این است که آیا شناخت و دغدغه لازم نسبت به فرهنگ و هنر دارد یا نه. این هنرمند پیکرتراش چوبی ادامه می‌دهد: «به نظر می‌رسد هدف اصلی، تخلیه ساختمان پژوهشکده هنرهای سنتی و تبدیل آن به فضای اداری است، در حالی که نباید یک نهاد ملی و تخصصی هنرهای سنتی قربانی نیازهای اداری شود.»

❖ احداث پژوهشکده هنرهای سنتی، ارزشمند بود

«وورد» درباره جایگاه حقوقی پژوهشکده هنرهای سنتی می‌گوید: «این مجموعه زیرمجموعه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری است؛ پژوهشگاهی که مجوز خود را از وزارت علوم دریافت کرده و به عنوان یک نهاد علمی مستقل فعالیت می‌کند.» او تأکید می‌کند: «تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی اقدامی ارزشمند بود تا فعالیت‌های پژوهشی این حوزه در چارچوب علمی قرار گیرد و امکان تعامل با مراکز علمی دنیا فراهم شود. پژوهشگاه نیز دارای هیئت‌امناسات و ورود مستقیم وزیر میراث فرهنگی به حوزه‌های مرتبط با ساختار علمی آن، نیازمند بررسی حقوقی جدی است.»

❖ درخواست توقف فوری نقل و انتقالات

«وورد» تأکید می‌کند: نخستین درخواست من به عنوان یک هنرمند، توقف فوری روند انتقال است تا تشکل‌های تخصصی، کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه درباره آینده پژوهشکده بررسی و اظهارنظر کنند.»

به گفته او، پژوهشکده هنرهای سنتی یک ساختمان اداری معمولی نیست، بلکه حاصل دهه‌ها تجربه، دانش استادکاران و پژوهشگران و بخشی از حافظه فرهنگی کشور است؛ «تصمیم‌گیری درباره آن باید با حضور متخصصان انجام شود. تشکل‌های حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که بدنه اصلی سرمایه انسانی این حوزه هستند، باید در چنین تصمیمی مشارکت داشته باشند و دیدگاه آنها شنیده شود.»

❖ وزیر صلاحیت تصمیم‌گیری درباره پژوهشکده را ندارد

«وورد» معتقد است که نه وزیر میراث فرهنگی و نه تیم مدیریتی همراه او، به تنهایی صلاحیت تصمیم‌گیری درباره مجموعه‌ای با بیش از صد سال سابقه و چنین سرمایه ملی ارزشمندی را ندارند؛ «پژوهشکده هنرهای سنتی یکی از نهادهای مهم برای تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه در حوزه میراث فرهنگی و اجرای سند ملی توسعه صنایع دستی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اگر این مجموعه تضعیف شود یا کارکرد اصلی خود را از دست بدهد، بخشی از این سیاست‌های بالادستی نیز با مشکل مواجه خواهد شد.»

❖ کارزار مخالفت

«وورد» با اشاره به شکل‌گیری کارزار مخالفت با انتقال پژوهشکده هنرهای سنتی می‌گوید: «بیش از ده» نفر از پژوهشگران، محققان، انجمن‌ها و فعالان تخصصی حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی این کارزار را امضا کرده‌اند. هدف این کارزار رساندن صدای جامعه تخصصی به مسئولان و جلوگیری از تصمیم‌گیری درباره یک سرمایه ملی بدون مشارکت متخصصان است.» به گفته او، نامه‌ای برای رئیس جمهور و نامه‌ای نیز برای خورشوباد، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در حال تنظیم است تا نسبت به تبعات این تصمیم و جایگاه پژوهشکده هنرهای سنتی توجه لازم صورت گیرد.

این هنرمند پیکرتراش چوبی با اشاره به تجربه شخصی خود از حضور در پژوهشکده هنرهای سنتی می‌گوید: «این مجموعه فقط یک ساختمان نیست، بلکه یک فضای آموزشی و پژوهشی است که زنجیره‌ای از نسل‌های استادان و هنرمندان را به یکدیگر متصل می‌کند.

او ادامه می‌دهد: «دانش و تجربه‌ای که در این مجموعه شکل گرفته، با انتقال چند اثر یا چند دستگاه به مکان دیگری قابل بازسازی نیست؛ زیرا هویت اصلی این مجموعه به انسان‌ها، آموزش، پژوهش و ارتباط میان نسل‌های هنرمندان وابسته است.»

❖ تبعات گسترده جابه‌جایی اموال

«حجت‌الله مرادخانی»، مدرس هنرهای سنتی در دانشگاه، درباره تصمیم‌بری جابه‌جایی اموال پژوهشکده هنرهای سنتی به خبرنگار «پایام ما» می‌گوید: «این تصمیم رانمی‌توان یک اقدام اداری و رویتین دانست، زیرا پژوهشکده هنرهای سنتی تنها محل نگهداری آثار نیست، بلکه بستری برای تداوم، انتقال و بازتولید دانش هنرهای سنتی ایران است.»

او می‌افزاید: «مسئله فقط انتقال اموال و محل استقرار کارکنان نیست، بلکه پرسش اصلی این است که آیا این اقدام، زیست‌بوم تداوم و انتقال دانش هنرهای سنتی را تخریب نمی‌کند؟ پژوهشکده هنرهای سنتی تنها مرکز ملی این حوزه در مجموعه وزارت میراث فرهنگی است و تغییر کارکرد آن می‌تواند تبعات گسترده‌ای داشته باشد.»

❖ قصد دارند صاحبخانه را برپا رین کنند

مرادخانی تأکید می‌کند: «پژوهشکده هنرهای سنتی و کارکنان آن صاحبان اصلی این فضا هستند، اما اکنون قرار است این مجموعه تخلیه شود و به جای آن فضای اداری ایجاد شود. در حالی که تاکنون هیچ گزارش کارشناسی درباره این تصمیم منتشر نشده و از حدود ۶۰ نیروی این پژوهشکده که بسیاری از آنها بیش از ۱۶ سال سابقه فعالیت دارند نیز نظرخواهی نشده است.» او با اشاره به تعهدات ایران در حوزه میراث فرهنگی ناملموس می‌گوید: «این اقدام با تعهدات ایران در قبال کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو برای میراث فرهنگی ناملموس محل پرسش است. ایران به عنوان عضواین کنوانسیون متعهد شده‌است از صیانت، حفظ و بازتولید میراث فرهنگی ناملموس، از جمله هنرهای سنتی، حمایت کند.» مرادخانی می‌افزاید: براساس ماده ۲ کنوانسیون ۲۰۰۳، میراث ناملموس شامل اعمال، بازمانی‌ها، دانش، مهارت‌ها و هنرهای سنتی است که جوامع آنها را بخشی از میراث خود می‌دانند. هنرهای سنتی ایران دقیقاً در همین چارچوب قرار می‌گیرد.

❖ ساختار متولی صنایع دستی آسیب می‌بیند

این مدرس هنرهای سنتی تأکید می‌کند: «صیانت در ادبیات یونسکو فقط به معنای نگهداری اشیاء و آثار نیست، بلکه شامل شناسایی، مستندسازی، پژوهش، حفاظت، ترویج و فراهم کردن زمینه انتقال میراث ناملموس از طریق آموزش رسمی و غیررسمی به نسل‌های بعد است.»

به گفته او، برای هنرهای سنتی ایران تنها یک مرکز تخصصی وجود دارد که وظیفه پژوهش، آموزش و تداوم این حوزه را دنبال می‌کند و آن پژوهشکده هنرهای سنتی است. اگر این مجموعه پاکرنده شود، در واقع ساختاری که باید متولی صیانت از این میراث باشد، تضعیف خواهد شد. مرادخانی با اشاره به فضای تخصصی پژوهشکده می‌گوید: «مسئله فقط جابه‌جایی چند اثر نیست، بسیاری از تجهیزات، مانند دارهای بزرگ بافت، برای همین فضا طراحی شده‌اند و انتقال آنها می‌تواند کارکرد تخصصی مجموعه را از بین ببرد. اگر آزادی نیز از ابتدا برای چنین فعالیت‌هایی طراحی شده است، اگر قرار باشد این تجهیزات منتقل شوند، باید پاسخ داده شود که این دستگاه‌ها با ابعاد و ویژگی‌های خاص خود کجا نگهداری خواهند شد و چگونه از آسیب دیدن آنها جلوگیری می‌شود.»

❖ موزه ملی وسعدآباد فضای کافی ندارند

مرادخانی درباره پیشنهاد انتقال اموال پژوهشکده به موزه ملی می‌گوید: «موزه ملی ایران نیز با محدودیت فضای مخزن و نمایش آثار مواجه است و چند گالری آن بیشتر برای نمایشگاه‌های دورهای استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد هدف تبدیل آن به فضای اداری، فضای پژوهشکده هنرهای سنتی و تبدیل آن به فضای اصلی است.»

او معتقد است که اعتبار این پژوهشکده فقط به اموال آن محدود نیست، بلکه به نیروی انسانی، فضا و کارکردی وابسته است که طی سال‌ها شکل گرفته است؛ اگر آثار کارکنان و تجربه اینباشته این مجموعه پاکرنده شوند، هویت بنا و کارکرد اصلی آن از بین می‌رود.

❖ تجاوز به حریم و عرصه اثر ملی

مرادخانی می‌گوید: «یک اثر ملی فقط با تخریب فیزیکی از بین نمی‌رود، وقتی یک بنای ثبت‌شده از کارکرد تاریخی، فرهنگی و نیازمند گمانه‌زنی است و این کار با توجه به بودجه محدود و شرایط کشور، برای تمامی محوطه‌های شناسایی‌شده عملاً میسر نیست. با این حال، کمتر به این راهکار توجه می‌شود که شمار زیادی از دانشجویان باستان‌شناسی، برای کسب تجربه، حاضرد با مبالغ اندک یا حتی رایگان زیر نظر کارشناسان میراث در چنین فعالیت‌هایی مشارکت کنند. ممکن است برخی بگویند که نگرانی‌های امنیتی مانع از اجرای این پیشنهاد می‌شود، اما با گزینش دقیق و بررسی سابقه کیفری، می‌توان افراد مطمئن را برای این کار انتخاب کرد. این تحد زیادی این دغدغه را برطرف ساخت.

با فرض اینکه بتوان این خلأ قانونی را حد تا حدی برطرف نمود و امکان گمانه‌زنی و تعیین حریم برای محوطه‌های بیشتر فراهم شود، همچنان پرسش اساسی‌تری پیش می‌آید: در خصوص محوطه‌های در آن حفاری‌های غیرمجاز انجام می‌شود، چه رویکردی باید داشت؟ آیا کاوش اضطراری راهکار مناسبی است یا راهبردهای دیگری نیز وجود دارد؟ و مهم‌تر اینکه آیا اصل کاوش به‌طور کلی درست است یا نه؟ این پرسش‌ها خود به اختلاف‌نظرهای عمیقی میان باستان‌شناسان انجامیده و دست‌کم سه رویکرد متفاوت را در این زمینه پدید آورده است. گروهی اساساً با هرگونه کاوش مخالفند و بر این باورند که کاوش بستر اصلی آثار را برهم می‌زند و تا زمانی که نیاز علمی قانع‌کننده‌ای وجود ندارد، نباید دست به آن زد.

در سویی دیگر، کسانی قرار دارند که هرچند اصل کاوش را رد نمی‌کنند، اما انجام آن را به آینده موکول می‌کنند؛ به این امید که نسل‌های بعد با فناوری پیشرفته‌تر و امکانات دقیق‌تر، بتوانند این آثار را بهتر و کامل‌تر بررسی کنند.

اما در مقابل این دو دیدگاه، عده‌ای می‌گویند که در شرایطی که کاوشگران غیرمجاز بدون کسب‌ترین تخصصی زمین‌های باستانی را بشخم می‌زنند و طرح‌های عمرانی نیز هر روز بخشی از این محوطه‌ها را می‌بلعند، رویکرد انفعالی نه تنها کارآمد نیست، بلکه خود نوعی کمک به تخریب خاموش به شمار می‌آید. از دیدگاه آنان، در چنین وضعیتی، کاوش نه فقط ضروری، بلکه اقدامی اضطراری برای نجات آنچه از این میراث ایبمان، مانده، محسوب می‌شود. با این حال، رویکردی که نسبت به هر محوطه اتخاذ می‌شود، می‌بایست متناسب با

تخصصی خود جدا و به فضای اداری تبدیل شود، عملاً هویت آن آسیب می‌بیند.»

اوهشدار می‌دهد که اگر این اقدام با دستور مدیران ارشد انجام شود، ممکن است به یک رویه تبدیل شود و در استان‌ها نیز هر جا کمبود فضای اداری وجود داشت، بناهای تاریخی و موزه‌ها به فضاهای اداری تبدیل شوند؛ «چنین تصمیمی می‌تواند اعتبار ایران در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی را در عرصه بین‌المللی زیر سوال ببرد.»

این مدرس هنرهای سنتی با اشاره به مفهوم «زیست‌پذیری میراث» می‌گوید: «یونسکو تأکید دارد میراث فرهنگی زمانی زنده می‌ماند که در بستر خود امکان تولید، آموزش، بازآفرینی و انتقال داشته باشد. ممکن است یک اثر تاریخی سالم باقی بماند، اما اگر دانش و مهارت مرتبط با آن از بین برود، آن میراث دیگر به معنای واقعی زنده نیست.»

❖ می‌توان از وزیر میراث فرهنگی شکایت کرد

مرادخانی تأکید می‌کند: «جابه‌جایی اموال، انتقال کارکنان و تغییر کارکرد پژوهشکده هنرهای سنتی با مفهوم صیانت از میراث فرهنگی ناملموس در تعارض است.»

او با اشاره به مواد مختلف کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو می‌گوید: «ماده ۱۱ این کنوانسیون مسئولیت دولت‌ها در زمینه صیانت از میراث فرهنگی ناملموس را مطرح می‌کند. ماده ۱۳ نیز دولت‌ها را موظف می‌کند اقدامات مناسب برای تضمین صیانت از این میراث، از جمله ایجاد یا تقویت نهادهای مرتبط با پژوهش، مستندسازی، مدیریت و بازتولید آن را انجام دهند. در حالی که کنوانسیون دولت‌ها را به تقویت ظرفیت‌های میراث ناملموس دعوت می‌کند، ما شاهد تضعیف تنها نهاد تخصصی هنرهای سنتی ایران هستیم.» مرادخانی با اشاره به ماده ۱۴ کنوانسیون ۲۰۰۳ می‌گوید: «این ماده بر آموزش، افزایش آگاهی عمومی و ظرفیت‌سازی برای صیانت از میراث فرهنگی ناملموس تأکید دارد. ماده ۱۵ نیز دولت‌ها را موظف می‌کند بیشترین مشارکت ممکن را با جوامع، گروه‌ها و افرادی که این میراث را ایجاد، حفظ و منتقل می‌کنند، فراهم کنند.»

او می‌افزاید: «پرسش این است که در تصمیم اخیر، نظر کدام استادکار پژوهشگر، عضو هیئت علمی یا متخصص هنرهای سنتی گرفته شده است؟ اگر نظر صاحبان واقعی این دانش نادیده گرفته شود، عملاً روح و مفاد کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو نادیده گرفته شده است. این تصمیم نه با منافع ملی همخوان است و نه با وظایف حاکمیتی وزارت میراث فرهنگی در زمینه حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی ناملموس.»

❖ ساختمان پژوهشکده هنرهای سنتی برای موزه طراحی شده‌است

«محمد مهدی کلانتری»، دبیر پوش ملی نجات بناها، محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی، درباره تغییر کاربری پژوهشکده هنرهای سنتی به «پایام ما» می‌گوید: «این ساختمان از ابتدا برای کاربری موزه طراحی و ساخته شده و تجهیزات و دستگاه‌های موجود در آن نیز متناسب با همین فضا، به‌ویژه برای فعالیت‌های مرتبط با رزی باقی و هنرهای سنتی، طراحی و نصب شده‌اند.» او تأکید می‌کند: «تبدیل چنین فضایی به اداره، خروج بنا از کارکرد اصلی خود است. به گفته او، کمبود فضای اداری برای نیروهای جدید وزارت میراث فرهنگی نباید به قیمت از بین رفتن کارکرد یک موزه تخصصی و انتقال آثار و تجهیزات آن تمام شود.»

کلانتری با اشاره به تجربه انتقال‌های گذشته در سازمان میراث فرهنگی می‌افزاید: «در دوره مدیریت آقای بقایی، انتقال بخش‌هایی از سازمان میراث فرهنگی به شیراز و اصفهان، آسیب‌هایی به همراه داشت و بخشی از آثار و اسناد در جریان جابه‌جایی‌ها دچار مشکل شدند. او می‌گوید درباره برخی پارچه‌های زری و زربافت، پس از بازگشت مجموعه، تنها تصاویر و آلبوم‌ها باقی مانده بود و خود آثار پیدا نشدند.»

این فعال میراث فرهنگی با اشاره به نگرانی‌ها درباره انتقال مخزن موزه هنرهای سنتی به سعدآباد تأکید می‌کند: «باید مشخص باشد چه آثاری منتقل می‌شوند، مسئولیت جابه‌جایی با چه کسی است و چه تضمینی برای حفظ و نگهداری آنها وجود دارد.» او همچنین به تجهیزات تخصصی موزه اشاره می‌کند و می‌گوید: «دستگاه‌های زری بافی و این تجهیزات موجود در این ساختمان‌های در همین فضا طراحی شده‌اند و باز کردن و انتقال آنها می‌تواند به معنای از بین رفتن کارکرد تخصصی موزه باشد؛ چراکه این تجهیزات به‌سادگی در هر ساختمان دیگری قابل نصب نیستند.»



شرایط خاص آن محوطه و طرح‌های تدوین‌شده برای آن باشد و این امر، جز با همکاری دوسویه نهادهای مختلف با ادارا کل میراث فرهنگی هر استان میسر نخواهد شد.

با این حال حتی اگر بر ضرورت حفاری توافق شود و کاوش‌هایی انجام گیرد، تازه به چالش سوم و شاید دشوارترین آن‌ها می‌رسیم و آن نبود زیرساخت‌های لازم برای پذیرش، نگهداری و نمایش یافته‌های احتمالی است. امروزه برخی افراد از انباشت اشیای تاریخی در مخازن گله دارند و می‌گویند این آثار در معرض دید عموم قرار نمی‌گیرد و عملاً به گنجینه‌های خاموش تبدیل شده است. آنان به دشواری تأمین استانداردهای احداث موزه اشاره می‌کنند و اذعان دارند که ساخت یک ویترین موزای به ابعاد یک در دو متر تقریباً معادل مجموع ۱۰ ماه حقوق پایه یک کارمند هزینه دارد؛ بدیهی است که در صورت احاط کردن جزئیات بیشتر، تجهیزات جانبی یا استانداردهای بالاتر، این هزینه افزایش خواهد یافت.

اما این در حالی است که اگر هزینه چند ویترین را صرف آموزش و حقوق گروهی از جوانان کنیم، چه بسا تمام ویترین‌های موزه‌ای کشور با هزینه‌ای بسیار کمتر ساخته می‌شود!

از این منظر در حال حاضر حتی اگر کاوشی انجام شود، نه محلی برای نمایش ونه جایی استاندارد برای نگهداری اصولی آثار وجود دارد و در عبات دیگر ما به زنجیره‌ای از موانع روبه‌روسیم که از تعیین حریم آثار می‌شود، به اختلاف بر سر اصل حفاری می‌رسد و در نبود زیرساخت‌های نمایش و نگهداری به نقطه کور می‌رسد. پرسش اینجاست: در چنین شرایطی آیا رویکردی که صرفاً بر انتظار و محافظت محض تأکید دارد، هنوز کارآمد است، یا زمان آن رسیده که با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود، از دانش‌شنوایان شتاق تا توانمندی‌های بومی و همچنین بازنگری در اولویت‌های یونجه‌پیزی، رویکردی فعال و عملی‌تر در پیش گرفت؟ اگر توانیم برای این زنجیره معیوب چارایا ببیندیشیم، چه بسا سال‌ها بعد، تنها چیزی که از این محوطه‌ها باقی می‌ماند، نامشان در گزارش‌های تخریب باشد.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

خبرنگار و حفاظتگر، دوضلع یک مسئولیت مشترک



انیلورفرژیسی چهارطاقی ا حفاظتگرا

اگر از من بپرسند رسانه چه نقشی در حفاظت از محیطزیست دارد، اولین پاسخم این است که رسانه قرار نیست جای حفاظتگر را بگیرد؛ همان‌طور که حفاظتگر هم قرار نیست خبرنگار شود. اما اگر این دو بتوانند زبان مشترکی پیدا کنند، هر دو شکست می‌خورند.

سال‌هاست که هم در حوزه حفاظت از تنوع زیستی و هم در فضای پایداری شرکتی کار می‌کنم. در این سال‌ها، بارها دیده‌ام که یک گزارش خوب، یک گفت‌وگوی دقیق یا حتی یک تیتیر مسئولانه توانسته مسیر یک تصمیم را تغییر دهد؛ همان‌طور که بارها هم دیده‌ام پرونده‌ای مهم، فقط چند ساعت در شبکه‌های اجتماعی دیده شده و بعد، زیر موج اخبار دیگر دفن شده؛ انگار هیچ‌وقت وجود نداشته است. شاید یکی از مهم‌ترین انتظارات من از رسانه‌ای مثل «پایام ما» همین باشد؛ اینکه اجازه ندهد مسئله‌های محیط‌زیستی فقط «خبر» باشند. محیط‌زیست ذاتاً موضوعی بلندمدت است. خشک‌شدن یک تالاب، ازبین‌رفتن یک جنگل، آلودگی یک رودخانه یا نابودی یک گونه، در یک روز اتفاق نمی‌افتد و با یک خبر هم تمام نمی‌شود. بنابراین، رسانه‌ای که می‌خواهد در این حوزه اثرگذار باشد، باید حافظه داشته باشد؛ پرونده‌ها را رها نکند، وعده‌ها را پیگیری کند و چند ماه یا حتی چند سال بعد، دوباره سراغ همان موضوع برود.

به نظر می‌کشد که نقاط قوت «پایام ما» همین بوده که تلاش کرده محیط‌زیست را از حاشیه به متن گشت‌وگوهای عمومی بیاورد. در فضایی که بسیاری از رسانه‌ها هنوز محیط‌زیست را موضوعی مناسب روزهای بحران می‌دانند، وجود رسانه‌ای تخصصی، خودش یک سرمایه است.

اما اگر قرار باشد از نقطه‌ضعف هم بگویم، آن را نه فقط در «پایام ما»، بلکه در بخش بزرگی از روزنامه‌نگاری محیط‌زیست ایران می‌بینم؛ اینکه گاهی روایت ما بیش ازآن‌که مسئله‌محور باشد، حادثه‌محور است. بیشتر از آن‌که درباره ریشه‌ها حرف بزنیم، درباره پیامدها می‌نویسیم. بیشتر از آن‌که از راه‌حل‌ها بگویم، از بحران‌ها می‌گویم و شاید مهم‌تر از همه، هنوز نتوانسته‌ایم محیط‌زیست را به زبان زندگی روزمره مردم ترجمه کنیم.

اگر مردم احساس کنند بحران آب، تنوع زیستی، آلودگی هوا یا تغییر اقلیم فقط دغدغه گروهی از فعالان محیط‌زیست است، طبیعی است که صفحه را ورق نزنند. اما اگر نشان دهیم این موضوعات مستقیماً به سلامت، اقتصاد، امنیت غذایی، کیفیت زندگی و آینده فرزندان‌شان گره خورده، آن‌وقت محیط‌زیست دیگر یک صفحه تخصصی در روزنامه نیست؛ بخشی از زندگی است.

از طرف دیگر، فکر می‌کنم ما حفاظتگران هم باید سهم خودمان را ببیزیم. گاهی از خبرنگار انتظار داریم همه‌چیز را بدانند، درحالی‌که خودمان حاضر نیستیم داده‌ها را شفاف‌تر، قابل‌فهم‌تر و در زمان مناسب در اختیار او بگذاریم. گاهی آن‌قدر در زبان تخصصی خودمان غرق می‌شویم که فراموش می‌کنیم مخاطب، مقاله علمی نمی‌خواند؛ داستان انسان‌ها و اتفاقات را می‌خواند.

به نظرم رابطه رسانه و جامعه محیط‌زیست نباید فقط زمانی شکل بگیرد که بحرانی رخ داده است. این رابطه باید دائمی باشد؛ خبرنگار، پژوهشگر، فعال مدنی، مدیر دولتی و حتی مدیران بخش خصوصی باید پیش از بحران همدیگر را بشناسند، به هم اعتماد کنند و بتوانند درباره داده‌ها، ابهام‌ها و حتی اختلاف‌نظرها گفت‌وگو کنند.

امروز بیش از هر زمان دیگری، ما به رسانه‌هایی نیاز داریم که فقط بازتاب‌دهنده صداها نباشند، بلکه میان دانش، سیاست، جامعه و تصمیم‌گیری پل بزنند. رسانه‌ای که فقط خبر منتشر کند، شاید مخاطب داشته باشد؛ اما رسانه‌ای که بتواند اعتماد ایجاد کند، تغییر هم ایجاد خواهد کرد.

و شاید مهم‌ترین پرسشی که دوست دارم در روز خبرنگار مطرح کنم، همین باشد: چگونه می‌توانیم از رابطه‌ای که گاهی به مطالبه‌گری یک‌طرفه یا گلاویه متقابل تبدیل می‌شود، به یک مشارکت حرفه‌ای برسیم؟ چگونه می‌توانیم کنار هم روایت‌هایی بسازیم که نه‌فقط خواننده شوند، بلکه تصمیم‌ها را تغییر دهند، سیاست‌ها را اصلاح کنند و امید را به جامعه‌ای برگردانند که هر روز خبر تازدای از بحران‌های محیط‌زیستی می‌شنود؟ به گمان من، آینده حفاظت از محیط‌زیست فقط به کیفیت علم یا قدرت قانون وابسته نیست؛ به کیفیت روایت هم وابسته است. و در این روایت، خبرنگاران و حفاظتگران نه دو گروه جدا از هم، بلکه دو ضلع یک مسئولیت مشترک‌اند.



تولیدکنندگان باشد.

«پیام ما» از باتلکلیفی بازپرداخت پروژه‌های ماده ۱۲ و بدهی دهه‌متی دولت گزارش می‌دهد

سرمایه‌های تجدیدپذیر در بن بست دولت

دبیر «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر» می‌گوید باگذشت یک سال، هنوز مطالبات کسانی که پروژه‌ها را انجام داده‌اند بازپرداخت نشده و میزان این بدهی به ده همت رسیده است

یک سالی است که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در موضوع تجدیدپذیرها به‌دنبال بازگشت سرمایه خود هستند. در واقع، در دولت سیزدهم، ۱۰ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی) به مناقصه گذاشته شد و سرمایه‌گذاران با تضمین دولت برای بازگشت سمدرصدی سرمایه خود، وارد این مناقصات شدند. برخی از آن‌ها توانستند نیروگاه‌ها را تأسیس و وارد مدار کنند. اما حالا، با بدقولی دولت، دست سرمایه‌گذاران برای پرداخت تسهیلات بانکی و حقوق پیمانکاران خود در پوست گردو مانده است. در واقع، آن‌ها برای دریافت پول خود میان «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی»، «وزارت نیرو» و «سازمان برنامه و بودجه» سرگردان شده‌اند و هیچ‌کس پاسخ درستی به آن‌ها نمی‌دهد.

اعتباری را برای تأمین مالی پروژه‌ها جلب کند.» اما به گفته «زنگنه»، با تغییر دولت، روش توسعه مدنظر سیاست‌گذار هم تغییر کرد: «در این دولت و با ابلاغ و اجرایی‌شدن برنامه هفتم توسعه، سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی تعریف شد. یکی از اهداف این سازمان، سروسامان‌دادن به پروژه‌های ماده ۱۲ و تعهدات آن‌ها بود؛ چون سرمایه‌گذاران بسیاری از طریق ظرفیت ماده ۱۲ پروژه را انجام داده بودند، اما تعهداتشان بازپرداخت نشده بود. کم‌اینکه در بند «الف» ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه نیز بر توسعه بر اساس ظرفیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید تأکید شده است. بنابراین، با تشکیل سازمان بهینه‌سازی، این خوش‌بینی وجود داشت که مشکل پروژه‌های ماده ۱۲ و سوخت مصرف‌نشده نیروگاه‌های تجدیدپذیر حل شود، ولی در عمل این اتفاق نیفتاد.»

«هنوز مشخص نیست چه نهادی پروژه‌ها را بازپرداخت می‌کند» دبیر «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر» دلیل حل‌نشدن مشکلات را توضیح می‌دهد: «سازمان بهینه‌سازی منابعی برای صدور گواهی و تضمین این گواهی‌های صادرشده در اختیار دارد. از سوی دیگر، منابعی وجود دارد که بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق، وارد حساب وزارت نیرو می‌شود. در این میان، از نظر سازمان بهینه‌سازی انرژی، چون وزارت نیرو چنین حسابی دارد، تعهدات پروژه‌های تجدیدپذیر زیرمجموعه بهینه‌سازی نیست و وزارت نیرو مسئول آن است.»

او به ناهماهنگی بین‌بخشی اشاره می‌کند؛ اینکه بالاخره مشخص نیست بازپرداخت پروژه‌های ماده ۱۲، بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون مانع‌زدایی از صنعت برق، وظیفه «وزارت نیرو» است یا «سازمان بهینه‌سازی» باید آن را از محل صندوق بهینه‌سازی که در اختیار دارد بپردازد، یا اینکه تعهد «سازمان برنامه و بودجه» بر اساس ردیف‌های جدول تبصره ۱۴ قانون بودجه است. «میزان بدهی‌ها به ۱۰ همت رسیده است» دبیر «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر» معتقد است با توجه به وضعیت کشور، طبیعی است که هرکس مسئولیت را به گردن دیگری بیندازد؛ «نتیجه این امر آن است که با گذشت یک سال، هنوز مطالبات کسانی که پروژه‌ها را انجام داده‌اند بازپرداخت نشده و میزان این بدهی به ۱۰ همت رسیده است. به همین دلیل هم سرمایه‌گذار دیگر دلیلی برای سرمایه‌گذاری نمی‌بیند. پس پروژه‌های ماده ۱۲ متوقف شده و ساتبا هم رغبتی برای توسعه این پروژه‌ها ندارد.»

در نهایت، او پرداخت مطالبات سرمایه‌گذاران از محل آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون مانع‌زدایی از صنعت برق را از همه گزینه‌ها جدی‌تر می‌داند و معتقد است «وزارت نیرو» باید متعهد به پرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری

هم برای این پرداخت داده تا اطمینان مؤسسات مالی و مطمئن نبودند» او این مشکلات را برمی‌شمارد: «مشکل اول این بود که منابع بازپرداخت این پروژه‌ها در قالب تبصره ۱۴ بودجه سنواتی دیده شده بود. با توجه به کسری بودجه همیشگی تبصره ۱۴، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که وظیفه تأمین مالی پروژه را داشتند، به بازپرداخت این پروژه‌ها اطمینانی نداشتند و برای همین، تأمین مالی پروژه‌ها با مشکل روبه‌رو شد. در نتیجه، برای حل این مشکل، در دولت سیزدهم برای پروژه‌ها شناسه یکتا (تضمین دولت) صادر شد. این یعنی دولت علاوه‌بر آن‌که طبق متن ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید موظف به پرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری است، تضمینی اضافه هم برای این پرداخت داده تا اطمینان مؤسسات مالی و

مطمئن نبودند

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

آگهی موضوع ماده ۳۰۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین

نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و فاقد سند رسمی
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۳۱۸۰۲۰۰۱۱۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۸ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم مطهره طاهری فرزند علی‌اکبر بشماره شناسنامه ۴۱۳ صادره از تهران در شش‌دانگ یکپای خانه و محوطه به مساحت ۳۱۸/۲۸ مترمربع پلاک فرعی ۳۰۶ از اصلی ۲۶ بخش ۲۶ گیلان واقع در فرود مژده شاندیزم مفروزی از ۶ فرعی خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی

تولیدکنندگان باشد.

❗ در ابتدا به ما تضمین‌های خوبی داده شد

«حسین محمدنژاد» یکی از کسانی است که بر اساس ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید، پروژه‌ای ۴۰ مگاواتی را وارد مدار کرده و در حال حاضر، دولت بدهی‌های خود به او را پرداخت نکرده است. او درباره تعهداتی که در ابتدای کار به آن‌ها داده شده بود، می‌گوید: «در قرارداد به ما تعهد داده بودند که بر اساس نرخ برق ۶.۹ سنت دلار و با نرخ روز دلار پرداخت‌کنند. برای تضمین تعهد هم از سازمان برنامه تضمین پرداخت گرفتند. در واقع، سازمان برنامه به آن‌ها برگه تضمینی داده که پول‌های مربوط به شرکت‌های حاضر در ماده ۱۲ را پرداخت می‌کند؛ به‌شکلی که این پرداخت هم‌تراز با پرداخت حقوق کارمندان دولتی باشد. تا این حد به ما تضمین دادند. ساتبا تک‌تک قرارداده‌ها را به سازمان برنامه فرستاد و آن‌ها این قرارداده‌ها را تأیید کردند و به آن‌ها شناسه یکتا دادند. آن‌ها همچنین تأکید کردند طلب ما را هم‌زمان با پرداخت حقوق‌ها می‌دهند. در واقع، یکی از دلایلی که ما وارد این موضوع شدیم، همین تضمین بازپرداخت‌ها بود.»

❗ هیچ‌کس مسئولیت بازپرداخت‌ها را قبول نمی‌کند

به گفته او، با گذشت بیش از هشت ماه، آن‌ها تنها ۱۰ درصد از مجموع فاکتورهای خود را دریافت کرده‌اند؛ «زمانی که سراغ ساتبا می‌رویم، به ما می‌گویند از زمان تشکیل سازمان بهینه‌سازی، پول ما از محل صرفه‌جویی سوخت به دست می‌آید؛ چون ماده ۱۲ به این معناست که با تولید برق سبز، سوختی سوزانده نمی‌شود. پس معادل صرفه‌جویی را وزارت نفت یا سازمان برنامه باید به ما پرداخت کند. از زمانی که این سازمان تشکیل شد، ساتبا می‌گوید این تعهد برای من نیست؛ چون پول‌های صرفه‌جویی‌شده به حساب سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌رود. وقتی ساتبا پول را از سازمان می‌خواهد، می‌گویند به ما ربطی ندارد. شما قراردادی جداگانه دارید، پس خودتان از هر محلی که می‌توانید منابع خود را تأمین کنید.»

این فعال حوزه تجدیدپذیر، دلیل این حرف‌های «سازمان بهینه‌سازی» را توضیح می‌دهد: «آن‌ها ادعا می‌کنند که وزارت نیرو از محل ماده ۱۰ قانون مانع‌زدایی مستقیماً پول دریافت می‌کند؛ پولی که معادل ۶۰ تا ۷۰ همت است. آقای ستاب می‌خواهد که وزارت نیرو از محل آن، طلب‌ها را پرداخت کند. اما وزارت نیرو می‌گوید که نمی‌تواند از محل آن پول‌ها چیزی پرداخت کند، چون طبق قانون مصوب هیئت دولت، برای آن ردیف بودجه مشخص شده و باید با آن، نیروگاه‌های حرارتی و گازی را به سیکل ترکیبی تبدیل کنند.»

«محمدنژاد» ادامه می‌دهد: «در واقع، در قرارداد، ساتبا نسبت به ما متعهد است. ساتبا هم می‌گوید که طبق توافق با سازمان برنامه، آن‌ها باید به ما پول بدهند. از طرفی، سازمان برنامه می‌گوید من طبق قانون، پول را به سازمان بهینه‌سازی انرژی داده‌ام. وقتی از سازمان بهینه‌سازی پولی خواسته می‌شود، آن‌ها می‌گویند این پول را به وزارت نیرو داده‌ایم. وزارت نیرو هم پاسخ می‌دهد که این پول برای تجدیدپذیرها نیست. در واقع، ما در لوپ دعوی آن‌ها گیر افتاده‌ایم و فقط ضرر می‌کنیم.»

❗ در دعوی بین سیستم‌های دولتی، سرمایه‌گذار بازنده اصلی است

به گفته او، دعوی بین سیستم‌های دولتی، در واقع سرمایه‌گذار را به دردسر و مشکل انداخته است؛ «ما در این هشت ماه باید تسهیلات بانکی پرداخت می‌کردیم، اما به ما پولی نداده بودند. این عدم بازپرداخت، ما را با جریمه‌هایی مواجه می‌کند. ما به پیمانکاران خود بدهکاریم و به امید آن‌که بتوانیم پول را پرداخت کنیم، به آن‌ها چک داده‌ایم.»

«محمدنژاد» معتقد است که این موضوع، علاوه‌بر آن‌که گردش‌های مالی روزمره‌شان را دچار مشکل کرده و اعتبار آن‌ها را نزد بانک از بین برده است، توسعه کشور را هم دچار چالش کرده است: «در چنین پروژه‌هایی، کشور هم از چند جنبه متغنی می‌شود؛ چون هم از این طریق برق تولید می‌شود، هم آلاینده‌های ناشی از مصرف گاز، گازوئیل و مازوت ایجاد نمی‌شود و هم مصرف آب کاهش می‌یابد.»

«سید احمد درازگیسو»، مدیرعامل شرکت «آرین مه‌باد» و عضو هیئت‌مدیره «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر»، معتقد است پروژه‌های ماده ۱۲ از نظر منطق اقتصادی و سیاست‌گذاری، پروژه‌های ارزشمندی هستند. او می‌گوید: «فلسفه این پروژه‌ها بر این اساس شکل گرفته که کشور بتواند از طریق صرفه‌جویی در مصرف سوخت‌های فسیلی، منابع لازم برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و طرح‌های بهینه‌سازی را تأمین کند. به بیان دیگر، هر شخص یا شرکتی که بتواند با احداث نیروگاه تجدیدپذیر یا اجرای پروژه‌های بهینه‌سازی موجب کاهش مصرف سوخت شود، دولت از محل منافع حاصل از این صرفه‌جویی، سرمایه او را بازپرداخت می‌کند. بنابراین، اصل ماده ۱۲ همچنان ارزشمند و قابل دفاع است؛ اما آنچه امروز این پروژه‌ها را با چالش مواجه کرده، نحوه تأمین مالی تعهدات آن است.»

❗ وقتی جریان نقدی قابل پیش‌بینی نباشد، جذابیت سرمایه‌گذاری از بین می‌رود

او ریشه اصلی مشکل را نبود منابع پایدار برای ایفای

تعهدات مالی ماده ۱۲ می‌داند و می‌گوید: «در بودجه‌های سنواتی یا منابع کافی برای این تعهدات پیش‌بینی نمی‌شود، یا در مرحله تخصیص، اعتبارات لازم در اختیار قرار نمی‌گیرد. در نتیجه، سرمایه‌گذار نمی‌تواند جریان نقدی پروژه را با اطمینان پیش‌بینی کند؛ درحالی‌که برای یک سرمایه‌گذار، قابلیت پیش‌بینی جریان نقدی حتی از نرخ بازده نیز مهم‌تر است. وقتی این قابلیت از بین برود، پروژه جذابیت اقتصادی خود را از دست می‌دهد و بانک‌ها نیز تمایل کمتری به تأمین مالی چنین طرح‌هایی خواهند داشت.»

«درازگیسو» با اشاره به تجربه شخصی خود می‌افزاید: «ما نیز به دلیل محدودیت‌های نظام بانکی و دشواری تأمین مالی، از ادامه حضور در یکی از کنسرسیوم‌های برنده مناقصه ماده ۱۲ انصراف دادیم.»

❗ تشدید کسری بودجه

به گفته او، مشکل تنها به مرحله سرمایه‌گذاری محدود نمی‌شود؛ «زمانی که این پروژه‌ها به بهره‌برداری می‌رسند، ساتبا برای ایفای تعهدات خود ناچار می‌شود از سایر منابع مالی در اختیار خود استفاده کند. در نتیجه، پرداخت مطالبات سایر نیروگاه‌هایی که بر اساس قوانین دیگر، از جمله ماده ۶۱ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، از خرید تضمینی برخوردار هستند نیز با مشکل مواجه می‌شود. این موضوع موجب تشدید کسری منابع، افزایش مطالبات صنعت و در نهایت، سرایت مشکلات ماده ۱۲ به کل صنعت برق شده است.»

این عضو هیئت‌مدیره «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر» تصمیم اخیر ساتبا مبنی بر توقف انعقاد قراردادهای جدید ماده ۱۲ را از یک منظر قابل دفاع می‌داند و می‌گوید: «این تصمیم نشان می‌دهد که ساتبا نمی‌خواهد بدون پشتوانه مالی، تعهدات جدیدی ایجاد کند و از این جهت، اقدامی مسئولانه است. اما نگرانی اصلی این است که هنوز جایگزینی مطمئن و قابل اتکا برای این مدل معرفی نشده است. هرچند توسعه بازار برق و بورس انرژی می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد، اما به‌تنهایی پاسخ‌گوی نیاز همه پروژه‌های تجدیدپذیر نیست.»

❗ به‌جای انرژی‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاران به دیگر صنایع روی می‌آورند

او درباره پیامدهای این وضعیت هشدار می‌دهد: «اولین نتیجه، کاهش ورود سرمایه‌گذار جدید به این صنعت است. سرمایه‌ای که می‌توانست وارد حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر شود، به‌سمت سایر صنایع هدایت می‌شود. در ادامه، شرکت‌های فعال کوچک‌تر می‌شوند و نیروی انسانی متخصص نیز به‌دلیل نبود فرصت‌های مناسب، جذب سایر بخش‌های اقتصادی خواهد شد. در بلندمدت نیز هزینه توسعه صنعت افزایش می‌یابد و کشور فرصت‌های ارزشمند خود را از دست خواهد داد.»

❗ اعتماد سرمایه‌گذار باید جلب شود

«درازگیسو» راهکار اصلی را بازسازی اعتماد سرمایه‌گذاران می‌داند و می‌گوید: «واقعیت این است که امروز اعتماد سرمایه‌گذاران به سازوکارهای تأمین مالی این حوزه آسیب دیده است. سرمایه‌گذار باید اطمینان داشته باشد که بازگشت سرمایه او بر پایه سازوکاری شفاف، قابل پیش‌بینی و قابل اتکا انجام می‌شود. هرچند بازسازی این اعتماد آسان نیست، اما اگر به‌دنبال توسعه پایدار صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر هستیم، چاره‌ای جز احیای این اعتماد نداریم. همچنین نباید فراموش کرد که جایگزینی نیروی انسانی تخصصی که در اثر این شرایط از صنعت خارج می‌شود، فرایندی زمان‌بر و پرهزینه است.»

❗ پروژه‌های ماده ۶۱ نیز بازپرداخت مناسبی نداشته‌اند

این عضو هیئت‌مدیره «انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر» در ادامه، با اشاره به تجربه پروژه‌های ماده ۶۱ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی نیز می‌گوید: «در طول حدود هشت سال گذشته، نحوه ایفای تعهدات این پروژه‌ها با تغییر مدیریت‌های ساتبا دستخوش تغییر شده است. هر دوره، شیوه متفاوتی برای پرداخت مطالبات اتخاذ شده است؛ یک دوره، پرداخت بر مبنای میزان تولید؛ دوره‌ای دیگر، پرداخت درصدی از مطالبات همه پروژه‌ها و در مقطعی نیز اولویت‌بندی بر اساس اندازه پروژه‌ها. این تغییرات باعث شده سرمایه‌گذاران با عدم قطعیت در برنامه‌ریزی مالی مواجه شوند.»

او ادامه می‌دهد: «بخشی از پروژه‌های ماده ۶۱ با استفاده از تسهیلات صندوق توسعه ملی اجرا شده‌اند و سرمایه‌گذاران موظف به بازپرداخت اقساط خود بوده‌اند. هرگونه تأخیر یا تغییر در نحوه پرداخت مطالبات، مستقیماً بر توان مالی این شرکت‌ها و ایفای تعهداتشان در قبال بانک تأثیر گذاشته است. همچنین سرمایه‌گذاران این نگرانی را دارند که محدودیت منابع مالی بر روند پرداخت مطالبات پروژه‌های ماده ۶۱ نیز اثرگذار شده و عملاً رقابت میان تعهدات مختلف ساتبا برای استفاده از منابع محدود را تشدید کرده است.» او در پایان تأکید می‌کند: «مسئله امروز صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر صرفاً کمبود سرمایه نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به سازوکارهای تأمین مالی است. اگر این اعتماد احیا نشود، خروج سرمایه مالی و انسانی از این صنعت شتاب خواهد گرفت و هزینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در سال‌های آینده به‌مراتب بیشتر از امروز خواهد بود.»

نوع مناقصه	دستگاه مناقصه‌گذار	مبلغ تقریبی موضوع مناقصه	نحوه و مهلت دریافت فایل الکترونیکی اسناد	مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهاد
عمومی یک مرحله ای	انستیتو پاستور ایران	۵۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	مرحله به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setad.ir	حداکثر تا ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۴
			مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۷	

شناسه آگهی: ۲۲۴۶۱۸۰ م الف: ۱۵۱۹

انستیتو پاستور ایران

آگهی مناقصه

انستیتو پاستور ایران در نظر دارد نگهداری و مراقبت از فضای سبز انستیتو پاستور ایران را مطابق جدول مندرج واگذار نماید.مناقصه گران می تواننند اسناد تکمیل شده را در مهلت مقرر در سامانه تدارکات دولت (ستاد) بازرگاری نمایند. در ضمن پس از بازگاری ضمانت نامه معتبر بانکی اصل آن را به دفتر خراست انستیتو واقع در تهران میدان قدس ابتدای خیابان شرعیتی پایگاه تجریش تحویل نمایند.

نوع مناقصه	دستگاه مناقصه‌گذار	مبلغ تقریبی موضوع مناقصه	نحوه و مهلت دریافت فایل الکترونیکی اسناد	مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهاد
عمومی یک مرحله ای	انستیتو پاستور ایران	۵۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	مرحله به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setad.ir	حداکثر تا ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۴
			مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۷	

زنجان

مهارت‌آموزی پیشران اشتغال پایدار و سرمایه اجتماعی در زنجان

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای زنجان، محمدرضا نصاری، توسعه مهارت‌آموزی راستون اصلی اشتغال پایدار و راهکار کلیدی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی دانست. وی با تحلیل دقیق شکاف میان آموزش‌های دانشگاهی و نیازهای واقعی بازار کار بر این نکته پافشاری کرد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پلی حیاتی برای اتصال جوانان به فرصت‌های اقتصادی است. در یک رویداد جامع، تمامی دوره‌ها برای دهک‌های درآمدی یک تا پنج به‌صورت کاملاً رایگان ارائه می‌شود تا عدالت آموزشی در سطح استان محقق گردد. رویکرد این نهاد تنها به مهارت‌های کلاسیک محدود نبوده و با نگاهی پیشرو، آموزش‌های هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال و فناوری‌های نوین در دستور کار قرار گرفته است؛ اقدامی که پیوند میان «سرمایه انسانی» و «اقتصاد نوین» را مستحکم‌تر می‌کند.

همچنین با ایجاد همکاری‌های راهبردی میان اداره فنی و حرفه‌ای و صنایع استان، تلاش می‌شود نیروی کار دقیقاً طبق نیاز بنگاه‌های تولیدی آموزش ببیند. توانمندسازی گروه‌های هدف از جمله زنان سرپرست خانوار، زندانیان و ساکنان مناطق محروم، نشان‌دهنده تعهد این اداره به «توسعه اجتماعی متوازن» است.

در پایان، از جوانان زنجانی دعوت شد تا با مراجعه به مراکز آموزشی، از خدمات مشاوره شغلی بهره‌مند شده و در مسابقات ملی مهارت (که تا اوایل شهریورماه فرصت ثبت‌نام دارد) شرکت کنند. کسب گواهینامه‌های صلاحیت حرفه‌ای، کلید دسترسی به تسهیلات و ورود موفق به بازار کار است؛ فرصتی بی‌بدیل برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر در استان زنجان.

کهنگیلویه و بویر احمد

هلال احمر کهنگیلویه و بویراحمد ۶ هزار و ۱۷۶ خدمت درمانی به زائران اربعین در شهر «بلد» عراق ارائه کرد

ذوالفقاری - سرپرست جمعیت هلال‌احمر استان کهنگیلویه و بویراحمد از ارائه ۶ هزار و ۱۷۶ خدمت درمانی رایگان به زائران اربعین حسینی در درمانگاه سطح یک این جمعیت مستقر در جوار امامزاده سید محمد (ع) شهر بلد عراق خبر داد. سید عادل رهبریان سرپرست جمعیت هلال‌احمر کهنگیلویه و بویراحمد گفت: در راستای اجرای برنامه‌های درمانی و امدادی جمعیت هلال‌احمر برای خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی، درمانگاه سطح یک جمعیت هلال‌احمر استان کهنگیلویه و بویراحمد از ابتدای مردادماه در جوار امامزاده سید محمد (ع) شهر بلد عراق فعالیت خود را آغاز کرده است.

وی افزود: در هفته نخست مردادماه، تیم تخصصی معاونت بهداشت، درمان و توان‌بخشی جمعیت هلال‌احمر استان موفق شد ۶ هزار و ۱۷۶ خدمت درمانی رایگان به زائران ارائه کند که نشان‌دهنده حجم بالای مراجعات و نیاز زائران به خدمات بهداشتی و درمانی در این مسیر معنوی است.

رهبریان با اشاره به خدمات ارائه‌شده در این درمانگاه گفت: پزشکان عمومی، ایستگاه پرستاری، خدمات تزریقات، سنجش قند و فشارخون، پاسمان و داروخانه مجهز از جمله

اردبیل

در راستای برخورد قاطع با سودجویان مصرف برق

کشف بیش از ۱۴۰ دستگاه ماینر غیرمجاز رمزارز در استان اردبیل

سعادتی - مجری جمع‌آوری برق‌های غیرمجاز و رمزارز شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل از کشف و جمع‌آوری بیش از ۱۴۰ دستگاه استخراج غیرمجاز رمزارز در طول ۴ ماهه اول سالجاری در استان خبر داد و گفت: این دستگاه‌ها با استفاده مستقیم و غیرمجاز از شبکه برق، اقدام به استخراج رمزارز می‌کردند که با همکاری نیروهای عملیاتی و لوازم اندازگیری شرکت، مراجع قضایی و انتظامی شاسایی و جمع‌آوری شدند.

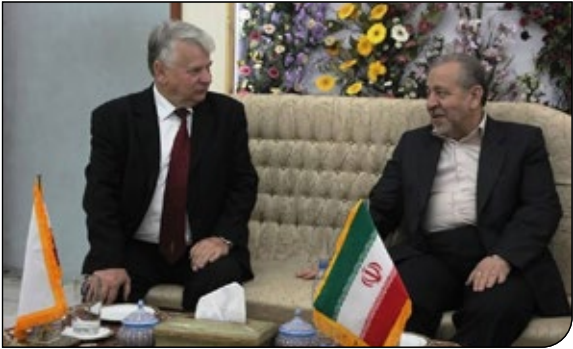
علی مبشر با عنوان اینکه مصرف انرژی دستگاه‌های مکشوفه بیش از ۴۰ هزار کیلووات انرژی را شامل می‌شود افزود: استفاده غیرقانونی از برق، به‌ویژه در شرایط اوج مصرف و هنگام ضرورت تأمین برق مراکز حیاتی، تهدیدی جدی برای پایداری شبکه برق محسوب می‌شود.

هوی با اشاره به حساسیت شرایط تأمین برق در روزهای اوج گرمای تابستان و همچنین ضرورت حفظ پایداری شبکه در مقاطع بحرانی، اظهار کرد: در شرایطی که تأمین برق مشترکان خانگی و صنعتی،

اصفهان

اصفهان و لهستان در مسیر همکاری تاریخی و اقتصادی

بهمن توکلی فرد - استاندار اصفهان با سرمایه‌گذار ایرانی‌تبار ساکن لهستان دیدار کرد و دو طرف بر تسهیل گردشگری تاریخی، به‌ویژه بازدید گردشگران لهستانی از آرامستان ارمنه اصفهان، و همچنین توسعه همکاری‌های اقتصادی، معدنی و فرهنگی تأکید کردند. علیرضا مقدم، سرمایه‌گذار ایرانی‌مقیم لهستان، دردیدار با دکتر مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، با اشاره به پیشینه کهن روابط دو ملت گفت: «مردم لهستان نام اصفهان را بهتر از تهران می‌شناسند و این سرمایه‌آرزشمندی برای گسترش همکاری‌هاست.» وی مهم‌ترین خواستهٔ خود را تسهیل فرایند سفر گردشگران لهستانی به آرامستان ارمنه اصفهان و بخش یادبود مهاجران لهستانی عنوان کرد و بر جذب سرمایه در حوزهٔ معادن استان و توسعه فناوری‌های مرتبط تأکید نمود. مقدم، همچنین بر گسترش تبادلالت فرهنگی و افزایش همکاری‌های گردشگری میان اصفهان و شهرهای خواهرخواندهٔ لهستان به‌عنوان یکی دیگر از محورهای قابل‌بررسی اشاره کرد. استاندار اصفهان نیز ضمن استقبال از این ظرفیت‌ها، اعلام کرد که مدیریت استان برای رفع موانع اداری، تسهیل اخذ مجوزها و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانیان مقیم خارج، آمادگی کامل دارد. در این نشست، مسعود نیک‌آیین (دستیار ویژه استاندار)، مدیرکل برنامه‌ریزی استان و مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نیز حضور داشتند.



پیام ایران

خراسان رضوی

تأمین زیرساخت‌های آب‌وفاضلاب نهضت ملی مسکن در خراسان رضوی

مدیرعامل آب‌وفاضلاب خراسان رضوی اعلام کرد دغدغه‌ای درباره تأمین زیرساخت‌های نهضت ملی مسکن در سطح استان وجود ندارد و خدمات آب‌وفاضلاب برای واحدهای مسکونی آماده بهره‌برداری ارائه شده است. حسین امامی با اشاره به وضعیت مطلوب پروژه‌ها گفت تقریباً همه زیرساخت‌های موردنیاز از جمله مخزن، شبکه آب‌رسانی و شبکه جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب، در شهرستان‌های دارای طرح مسکن ملی تأمین شده است.

وی تأکید کرد که در بخش آب‌وفاضلاب، روند اجرا مثبت ارزیابی می‌شود و زیرساخت‌های اصلی برای پیشبرد طرح در بسیاری از نقاط استان مهیاست. به گفته او، اکنون هشت سایت مسکن ملی در خراسان رضوی آب‌رسانی شده و انشعابات آب شرب ۵ هزار و ۵۰۰ واحد نصب شده است. همچنین ۵ هزار و ۶۰۰ واحد دیگر نیز آماده نصب انشعاب هستند.

امامی افزود آب کارگاهی ۴۱ هزار و ۳۰۰ واحد در سایت‌های مسکن ملی تأمین شده و این امر نشان‌دهنده پیشرفت مناسب در پشتیبانی از طرح است. وی سهم خراسان رضوی در نهضت ملی مسکن را ساخت ۴۰۰ هزار واحد مسکونی عنوان کرد و گفت زمین احداث ۱۹۸ هزار واحد تهیه شده و عملیات احداث حدود ۸۰ هزار واحد نیز آغاز شده است. این روند، زیرساختی پایدار برای توسعه مسکن در استان فراهم کرده است.

همدان

حفاری چاه شماره ۱۲ «اسدآباد» آغاز شد

مدیر امور آب‌وفاضلاب شهرستان اسدآباد از آغاز عملیات حفاری چاه شماره ۱۲ این شهر خبر داد و گفت هم‌زمان با پیشرفت ۵۰ درصدی حفاری چاه شماره ۱۱، اجرای این پروژه نیز برای جبران کاهش منابع و تقویت پایداری تأمین آب شرب آغاز شده است. به گفته مصطفی خزاغی، خشک شدن دو حلقه از چاه‌های تأمین‌کننده آب شهر، ضرورت ورود فوری به فاز جایگزینی منابع را ایجاد کرد.

وی افزود: باهدف جلوگیری از اختلال در آب‌رسانی، حفاری چاه‌های جدید در دستور کار قرار گرفت و اکنون دو پروژه به‌صورت موازی در حال اجراست. او تأکید کرد که حفاری هر دو چاه با رویکردی جهادی، تلاش شبانه‌روزی و سرعت مطلوب پیش می‌رود تا پس از پایان حفاری، مراحل تجهیز و بهره‌برداری در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود.

خزاغی همچنین از همکاری مسئولان استانی و شهرستانی در تأمین اعتبارات، تجهیزات و رفع موانع اجرایی قدردانی کرد و گفت این همراهی نقش مهمی در پیشبرد پروژه‌ها داشته است. وی ابراز امیدواری کرد با تکمیل، تجهیز و اتصال این دو چاه به شبکه، ظرفیت تأمین آب افزایش یابد و پایداری و کیفیت خدمات‌رسانی به شهروندان اسدآباد به طور محسوس بهبود پیدا کند.

هرزی

تأکید بر نوآوری در فرهنگ‌سازی مصرف بهینه آب و برق در شورای انسجام‌بخشی استان مرکزی

آزاده فراهانی - نخستین جلسه شورای انسجام‌بخشی صنعت آب و برق استان مرکزی به ریاست سعید سرآبادانی، مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان مرکزی و با محوریت ترویج الگوی صحیح مصرف و تعامل با سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد.

در این نشست که باهدف هم‌افزایی دستگاه‌های تابعه صنعت آب و برق و نهادهای فرهنگی تشکیل شد، بر ضرورت اتخاذ روش‌های نوین و خلاقانه در فرهنگ‌سازی جهت افزایش اثربخشی برنامه‌های آموزشی و مدیریت تقاضا تأکید گردید.

اعضای شورا در این جلسه بر این نکته اشتراک نظر داشتند که باتوجه‌به محدودیت‌های منابع، بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای برای ترویج رفتار مسئولانه در مصرف آب و برق، اولویت اصلی این شورا در ماه‌های پیشرو خواهد بود.

سعید سرآبادانی، رئیس شورای انسجام‌بخشی صنعت آب و برق استان مرکزی، با اشاره به اهمیت مدیریت مصرف در پایداری خدمات‌رسانی اظهار کرد: فرهنگ‌سازی در حوزه مصرف بهینه آب و برق، نیازمند هم‌افزایی همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی، نهادهای فرهنگی و رسانه‌هاست. وی افزود: در شرایط حساس کنونی و جنگ اقتصادی کشور، همکاران پرتلاش ما در مجموعه وزارت نیرو باروحیه



اصفهان

ستون تاب‌آوری سلامت در جنوب کشور

محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در سفر به شیراز و در نشست هم‌اندیشی با هیئت‌رئیس‌ه دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر جایگاه راهبردی این مجموعه در مدیریت سلامت جنوب کشور تأکید کرد. این دیدار نه‌تنها یک رویداد اداری، بلکه تبیین‌کننده نقشه راهی برای ارتقای «تاب‌آوری نظام سلامت» در مواجهه با بحران‌های احتمالی بود. نگاهی عمیق به این نشست نشان می‌دهد که چگونه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، به‌عنوان سنگ‌های اصلی، در حفظ «سرمایه اجتماعی» و پایداری جامعه نقشی حیاتی ایفا می‌کنند.

در دنیای امروز که مخاطرات طبیعی و تغییرات اقلیمی، مدیریت بحران را به یک اصل اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است، بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی باید از مؤلفه‌های «تاب‌آوری شهری» برخوردار باشند. وزیر بهداشت با تأکید بر پیش‌گامی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در حوزه‌های علمی، نوآوری و خدمات درمانی، تصریح کرد که این دانشگاه با مدیریت بحران‌های پیچیده، نقش فرماندهی سلامت در جنوب کشور را ایفا می‌کند. این نقش‌آفرینی، دقیقاً در راستای «سیاست‌های زیست‌محیطی» کلان کشور است، چرا که سلامت عمومی جامعه، خط مقدم توسعه پایدار محسوب می‌شود.

یکی از محورهای مهم این گفت‌وگو، اجرای هوشمندانه «پزشکی خانواده» و نظام ارجاع بود. استان‌های فارس و مازندران به‌عنوان پیش‌گامان این طرح، الگویی برای گذار از درمان‌محوری به سلامت‌محوری هستند. در ساختار جدید حکمرانی سلامت، آنچه اهمیت دارد، «دموکراسی محلی» و مشارکت خیرین است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی، در کنار مولدسازی دارایی‌های دولت، مسیری است که می‌تواند پروژه‌های نیمه‌تمام با پیشرفت بالای ۸۰ درصد را به سرانجام برساند و از اتلاف منابع در پروژه‌های عمرانی جلوگیری کند؛ رویکردی که دقیقاً با اصول «توسعه پایدار» همخوانی دارد.

در حوزه جمعیت نیز وزیر بهداشت با اشاره به آمارها و لزوم فرهنگ‌سازی، بر ضرورت بازسازی ساختار جمعیتی کشور تأکید کرد. این امر در پیوند با

خبر

پرداخت ۲۵۲ هزار میلیارد ریال سود خالص به سهامداران «پالایشگاه شازند»

آزاده فراهانی- مدیرعامل شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازندگفت: این شرکت در سال مالی گذشته، باوجود اجرای عملیات سنگین تعمیرات اساسی در ۱۴ واحد اصلی فرایندی، توانست سطح سودآوری خود را حفظ و مدیریت کند. رضا چراغی افزود: این دستاورد، محصول مدیریت هوشمندانه منابع و همت شبانه‌روزی متخصصان ما بود که نه‌تنها مانع از توقف چرخ تولید نشد، بلکه به فرصتی طلایی برای ارتقای استانداردهای تولیدی و تثبیت ضریب پایداری پالایشگاه بدل گردید. وی با اشاره به الزامات قانونی ماده (۴۵) برنامه توسعه هفتم، بر اهمیت سرمایه‌گذاری در آینده شرکت تأکید کرد؛ ممیچ با اتفاق آراء، بر اساس ضرورت اختصاص ۴۰ درصد از سود خالص به اندوخته سرمایه‌ای جهت اجرای طرح‌های کیفی‌سازی و کاهش استفاده از نفت کوره، منابع لازم را در سرفصل اندوخته طرح توسعه پالایشگاه تنفیذ کرد. این تصمیم، ضامن تداوم حیات صنعتی و ارتقای استانداردهای تولیدی ما در سال‌های آتی خواهد بود. مدیرعامل پالایشگاه افزود: با اشاره به تصمیمات مجمع در اجرای مواد ۹۰، ۲۳۹ و ۲۴۰ قانون تجارت، پرداخت ۶۰ درصد سود خالص به مبلغ ۲۵۲ هزار میلیارد ریال (به‌ازای هر سهم معادل ۲٫۰۷۷ ریال) با تأیید سهامداران مصوب و اجرایی شد

اصفهان

سکان بزرگ‌ترین تشکل صنفی اصفهان به«عباس سلطانی» سپرده شد

بهمن توکلی فرد با رأی اعضای پارلمان صنفی مرکز استان اصفهان، مهندس عباس سلطانی به‌عنوان رئیس جدید اتاق اصناف این کلانشهر انتخاب و معرفی شد. این انتخاب، فصل تازه‌ای در مدیریت بزرگ‌ترین نهاد صنفی پایتخت فرهنگ و تمدن ایران رقم زد. طی نشست انتخاباتی هیئت نمایندگان، «مهندس عباس سلطانی» با کسب آرای لازم، سکان هدایت این تشکل صنفی اثرگذار را بر عهده گرفت. وی که از چهره‌های شناخته‌شده و باسابقه در عرصه مدیریت صنفی استان محسوب می‌شود، باتکیه‌بر کارنامه اجرایی و تعامل‌پذیری با نهادهای مرتبط، توانست اعتماد نمایندگان اصناف را جلب کند. انتخاب سلطانی در حالی صورت می‌گیرد که اتاق اصناف مرکز استان اصفهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین تشکل‌های صنفی کشور، نقشی کلیدی در ساماندهی امور بازرگانی، نظارت بر بازار و تعامل با دستگاه‌های اجرایی ایفا می‌کند. بر اساس این گزارش، انتظار می‌رود با روی کار آمدن رئیس جدید، برنامه‌های تحولی در حوزه‌های نظارت صنفی، آموزش و پشتیبانی از کسب‌وکارهای خرد و متوسط در دستور کار قرار گیرد. جزئیات برنامه‌های آتی و ترکیب هیئت‌رئیس‌ه جدید متعاقباً اعلام خواهد شد.

اصفهان

گزارش پایداری شبکه انرژی شرکت گاز چهارمحال وبختیاری

شاه وردی - به‌عنوان متولی بهره‌برداری از شبکه گازرسانی استان، بررسی داده‌های تراز مصرف نشان می‌دهد که در فصل تابستان، شبکه گاز با یک چالش فنی جدی تحت عنوان «واپستگی متقابل حامل‌های انرژی» مواجه است. با افزایش دمای محیط و رشد شدید بار شبکه برق ناشی از سیستم‌های سرمایشی، تقاضای گاز طبیعی برای خوراک نیروگاه‌های حرارتی به حداکثر ظرفیت می‌رسد.

از دیدگاه فنی و عملیاتی، افزایش مصرف برق، مستقیماً به معنای افزایش برداشت از خطوط انتقال گاز جهت تأمین خوراک نیروگاه‌هاست. این سیکل مصرفی، پایداری شبکه گاز را در نقاط سرشاخه و صنایع عمده با ریسک کاهش فشار مواجه می‌سازد. برای حفظ پایداری سیستم (System Integrity) و جلوگیری از نوسانات در فشار خطوط لوله، لازم است تمامی مشدک‌زین اعم از خانگی، تجاری و صنعتی، استراتژی کاهش بار (Load Reduction) را در ساعات پیک مصرف برق اجرا نمایند.

مدیریت بهره‌برداری بر این باور است که هر کیلووات ساعت صرفه‌جویی در مصرف برق، معادل کاهش فشار بر تأسیسات گازرسانی و حفظ تراز پایدار در زنجیره تأمین انرژی استان است. رعایت الگوی بهینه مصرف، نه یک توصیه عمومی، بلکه یک ضرورت مهندسی برای حفظ تداوم خدمت‌رسانی و پیشگیری از هرگونه وقفه در جریان گاز طبیعی استان محسوب می‌شود.



